نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir
سال دوم - شماره شانزدهم
یکشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۹۲

نشریه افسران

حقِ دانستن مردم را پلمب نکنید

شکست انگلیس در ماجرای ملی شدن نفت

کربلا فقط یک عرصه از حیات زینب (س) بود

اقتصاد مقاومتی

فاجعه فیضیه

تربیت فاطمی

بسم الله الرحمن الرحیم

حول حالنا بخوان دلم،

که جهان در تب و تاب است و بهاران در راه...

خورشید که طلوع کند، ورق میخورد این سالهای بی رونق و سیاه...

و هر سال که از راه می رسد،

شیدایی مرا، زبانی نیست در شرح پریشانی و حیرت اندوه بارِ روزگار بی تو بودن ها...

تا واگویه کند حجم تنهایی بشر را؛

اما خوب می دانم که این روزهای شکوفه های سپید،

و برگ های سبز امید،

فردای آمدنت را می دهند نوید...

و من چشم بر راهم...

چشم به راهی که، گرفتار ابتدای زمین است و انتهای نگاهش، آسمان را می جوید...

و نغمه ی دلش می خواند، "ای روزهای روشن در راه"...

من خوب میدانم که، او می آید تا در کوچه ی تنگی که؛ عطر یاس در آن جاریست...

رایحه ی جانفزای بوی سیب را به انار دلها ببخشد...

خوب می دانم هزار و سیصد و بی تویی ها، هرگز مبارک نیست!...

اما، اینک در آستانه ی رویش دوباره ی عالم...

روزها نو می شوند و دل، کهنه ی عشقِ تو...

و من هفت سین مهرت را، بر سفره ی دل، می چینم...

و سر می سایم بر سینه ی آسمانت و...

سجده ی عاشقانه ای را می طلبم، تا...

سرچشمه ی نورت را مهمان شوم، و...

سر تعظیم بر تقدیری فرود می آورم؛ که جز برکت و مهربانیت در آن جاری نیست... و آن گاه...

سبزترین نگاه تو را بر وجود خاکسترنشینان خواهم دید، وقتی از ابر بی کرانِ رحمتت، باران ببارد...

و پس از فروریختن قطره قطره، ندبه های باران، بر سرزمین فراق و هجرانِ یاران...

سلام بر بهار دلها و خرمی دوران...

سلامی بی پایان...

نویسنده: sepehra

فهرست

سرمقاله..... ۴
کلام امام ۵
حق دانستن مردم را پلمب نکنید ۶
سانتریفیوژ IR8 قربانی توافق ژنو ۷
تصاویر پلمب تاسیسات هسته ای ۸
اقتصاد مقاومتی ۹
سه تفنگدار ۱۰
تربیت فاطمی ۱۱
تصاویر فاطمیه ۱۳
شباهت های سقیفه و عاشورا ۱۴
وصیت نامه یک شهید ۱۵
کلیپ های صوتی و تصویری ۱۶
شکست انگلیس در ماجرای ملی شدن صنعت نفت ۱۷
تصاویر ملی شدن نفت ایران ۱۸
داستان ملی شدن صنعت نفت ۱۹
فاجعه فیضیه ۲۰
روز جمهوری اسلامی ۲۱
اخبار افسران ۲۲
داستانک (سین هفتم) ۲۳
کربلا فقط یک عرصه از حیات زینب (س) بود ۲۴
بنیاد شهید ۲۵
روز درختکاری ۲۶
برگی از بهشت..... ۲۷
دلنوشته ۲۸
اسامی همکاران این شماره ۲۹

سرمقاله

روز هجدهم ذیحجه بود . پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هنگام بازگشت از حجه الوداع مسلمانان را در محلی به نام غدیرخم جمع کرد . جمعیتی بالغ بر هزاران نفر از مسلمانان حج گزار . زیر تیغ آفتاب بر منبری از جهاز شتران و وسایل کاروانیان قرار گرفت و پیام الهی را که همان «ولایت» امیرالمومنین علیه السلام بود ابلاغ فرمود.

مسلمانان گروه گروه برای عرض تبریک نزد حضرتش آمدند و صوتِ «بخ بخ لک یا امیرالمومنین» صحرا را پر کرد .

آن هنگام در ذهن عوام مسلمین خطور هم نمی کرد که پس از مدتی کوتاه ، چنان در تندبادهای فتنه کور شوند که این روز بزرگ و پیمان عظیمی را که بسته شد به فراموشی بسپارند و همان دستانی را که برای تبریک جانشینی پیامبر و امامت امت فشردند ، ببندند و کشان کشان به مسجد ببرند !

فتنه آنچنان قلبهای آنان را درنوردید که ندای روشنگرانه پاره تن رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیز نتوانست ابرهای تیره خیانت را از آنها بزداید و انچنان در تیرگی خود فرو رفتند که محبوبه خدا را در میان کوچه های بنی هاشم سیلی زدند و غضب الهی را که در غضب زهرای مرضیه سلام الله علیها بود ندیدند.

گریه های بزرگ بانوی اسلام برای زمانی به وسعت تاریخ بود که وقتی دستان امام حق بسته شد ، راه سعادت انسان را برای مدتی طویل بسته دید : «به خدا سوگند! اگر می گذاشتند که حق بر محور خود بچرخد و آن را برای اهلش باقی می گذاشتند و از خاندان رسول خدا پیروی می کردند، هیچ گاه دو نفر درباره خدا با یکدیگر مخالفت نمی کردند. آیندگان از گذشتگان آن را به ارث می بردند و گذشتگان برای آیندگان خود می گذاشتند تا اینکه قائم ما که نهمین فرزند حسین(ع) است، قیام کند. اما اینان کسانی را که خداوند مؤخر دانسته، مقدم داشته و آن که را خداوند پیشوا قرار داده، کنار زده اند. اینان بعد از رسول خدا(ص) بر طبق هوا و هوس و افکار خود عمل کردند، نفرین بر آنان»

همیشه طوفان های فتنه چشم های ضعیف را نابینا می کند و قلب های سست را زیر و رو .

حرکتی اشتباه و بر اساس هوای نفس می تواند تاریخ جهان را دگرگون کند و حق های فراوانی را پایمال کند.

در این میان اگر تنها به خود اتکا داشته باشیم هلاک خواهیم شد ، به همین جهت است که فرمودند در فتنه ها به حجت زمان خویش رجوع کنید که راه را از چاه می شناسد و مانع از گمراهی و سقوط می گردد.

راه نجات بشر پس از انتخاب راهبر و امام خود ، اطاعت از او و پیروی از اشارات و فرامین اوست .

خدا نکند در این زمان که می بایست از آزمونی بزرگ سربلند بیرون آییم تا نعمت امامتِ حجت خدا بر زمین به اهالی آن بازگردانده شود ، مرتکب اشتباهی خوفناک شویم و تاریخی را به گمراهی بکشانیم !

و خدا را شکر که تاکنون ملت عاشورایی ایران پشتیبان فرزند زهرا سلام الله علیها بوده اند و ان شاء الله تا روز موعود نیز خواهند بود .

إِن تَنصُرُوا اللّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

نویسنده: baran

کلام امام

من عرض میکنم ما در برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده را در اوّل ورود، حتّی قبل از ورود باید بشناسیم.

فرض کنید یک چیزی، یک فکری، یک روشی در دنیا دارد رایج میشود؛ پیدا است که این اینجا خواهد آمد - خب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتّصال و ارتباط است، نمیشود حصار کشید - قبل از آنکه بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست.

معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی یک پدیده‌ای است که ما آن را میتوانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای است که میتوانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند.

دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی میشوید که نمیتوانید با آنها مواجه بشوید.

پس من نمیگویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم - البتّه وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکّی نیست - توصیه‌ی من فقط موضع دفاعی نیست؛

امّا موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم.

به‌هرحال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛
زشت‌ترین کار، انفعال است؛
خسارت‌بارترین کار، انفعال است.

فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم خیلی خب، ما در مقابل این نمیتوانیم یک حرکتی انجام بدهیم، امّا منفعل هم نمیشویم.

منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۹/ ۹/ ۱۳۹۲

«حقِ دانستن» مردم را پلمپ نکنید!

بیش از یک هفته از مذاکرات وین که گام نهایی مذاکرات خوانده می شود ، میگذرد و خبری از اخبار جزئیات این دور از مذاکرات و نتایج آن نیست.گویا توافق شده که هیچ یک از دو طرف جزئیات مذاکرات را تا قبل از رسیدن به پایان کار آشکار نکند.

بگذریم از آنکه مذاکره کننده امریکایی تنها یک روز پس از مذاکرات بلیط تل آویو گرفت و جهت ارائه گزارش و مراتب احترام به خدمت صهیونیست های پلید شرفیاب شد و در جمع خبرنگاران هم گفت :

"همانطور که می دانید من تازه از وین و گفتگوهای ۱+۵ با ایران آمده ام. من می خواهم به همه در اینجا یعنی اسرائیل بگویم که مشورتهای ما با شما بسیار با ارزش است... همیشه مشتاق بوده ام قبل و بعد از هر مذاکراتی، از دیدگاهها و نقطه نظرات شما مطلع شوم... حرفی که به مقاماتی {اسرائیلی} که با آنها ملاقات می کنم خواهم گفت این است که من اینجا آمده ام به حرف های شما گوش کنم و البته درباره آنچه که در وین گذشت به شما گزارشی کوتاه و البته با برخی جزئیات بدهم...".

(متن کامل افاضات خانم وندی شرمن)

بگذریم از آنکه عهدشکنی های امریکایی ها بر هر کودکی هم آشکار شده و لبخندهای رو در روی آنها دیگر کودکان را هم گول نمی زند و با هیچ بزکی هم دیگر نمی توان چهره ای مورد اعتماد و پایبند به عهد از چهره آمریکا ساخت.

بگذریم از این ها اما نگذریم از اینکه نامحرم شمرده شده ایم و بی خبریم از آنچه دارد بر سرمان می آید!

نگذریم از اینکه صهیونیست های پلید می دانند که چه گفته ایم و چه شنیده ایم در مذاکرات مان ، اما خودمان نمی دانیم!

نگذریم از اینکه سنای آمریکا نه تنها در جریان جزئیات ماجراست که خط دهی می کند و چارچوب می چیند برای مذاکره کننده هایش و اما از این طرف نماینده های مردم در مجلس از خیلی از جزئیات بی خبرند و نامحرم ، مثل مردم!

نگذریم...!

آقای دولت ، جناب مذاکره کننده ، جناب دیپلمات! منِ مردم بجای اینکه سر خود را با روغن های سبد کالا ، شیره بمالم و با خوش خیالی تمام ، توافقنامه ژنو را سر فرود آوردن شرق و غرب در برابر ایران بپندارم ، ترجیح می دهم واقعیت ها را بدانم حتی اگر تلخ اندا‌جزئیات را بدانم حتی اگر به ضررم هستند!

آقای رئیس جمهور ، آقای دیپلمات! مگر نه اینکه در این ایام از یک طرف از «حقوق شهروندی» دم زده اید و از طرف دیگر بارها و بارها «دانستن» را حق مردم شمرده اید؟!

منِ مردم از حقوق شهروندی ام بجای سبد کالا و برنج هندی ، «حق دانستن» ام را می خواهم! آن هم تمام و کمال.آن هم بدون صف ایستادن و زیر دست و پا لگدمال شدن!

منِ مردم بجای این توهم و امید کاذب ، می خواهم بدانم کسی که به نمایندگی از من در حالیکه پشتش به پرچم کشورم گرم است و روبروی خود ابرقدرت پندار های دنیا نشسته ، لابلای لبخند ها و ظرافت هایش چه می گوید و چه می شنود! چه قولی می گیرد و چه قولی می دهد!

می خواهم بدانم در NON Paper ها چه می گذرد و در جلسات خصوصی دو جانبه چه حرف هایی به میان کشیده می شود! این حق من است که تا قبل از اینکه کشورم در عمل انجام شده قرار نگرفته ، بدانم که چه دارد می گذرد بر احوالاتش!

آقای دولتِ دیپلمات! منِ مردم ترجیح میدهم که اگر قرار است «جام زهر»ی هم بنوشم ، آنرا با افتخار و به اسم زهر بالا بکشم و نه اینکه متوهمانه آنرا «جام عسل» فرض کنم و بخواهم به زور از شیرینی اش لذت ببرم!

من مردم حاضرم غنی سازی هسته ای را بدهم اما در عوضش غنی سازی افکار و رشد و تعالی اندیشه ام را بدست آورم!خواسته ی من این است که اگر امتیازی میدهم و سرمایه ای از دست میدهم ، سرمایه ای ارزشمند و تجربه ای گران مایه در عوضش بدست آورم که موجب رشد فکری ام شود و حتی اگر امروز را به اجبار و اکراه از دست دادم ، بتوانم آینده ام را با آن تجربه بسازم! منِ مردم می خواهم از این تجربه ی تاریخی لبخند زدن ها و ظرافت ها با دشمن و نتیجه و ماحصلش ، عبرت بگیرم و رشد کنم! این حق من را سلب نکن!

آقای دولتِ دیپلمات!

اگر تأسیسات هسته ای ام را «پلمپ» کردی ، «حق دانستن» ام را پلمپ نکن!

نویسنده : mahdiyar85

سانتریفیوژهای فوق مدرن ایران، موسوم به IR-8 قربانی توافق ژنو

اطلاعات فنی که به لطف گزارش آژانس در دسترس قرار گرفته نشان می دهد آخرین نسل سانتریفیوژهای فوق مدرن ایران موسوم به IR-8 قربانی توافق ژنو شده و ایران نتوانسته عملیات تزریق گاز به این ماشین را انجام بدهد.

چند هفته پس از توافق ژنو و در میانه مذاکرات کارشناسی میان ایران و ۱+۵ به یکباره جنجالی درباره برنامه تحقیق و توسعه ایران به راه افتاد.

در حالی که توافق ژنو می گوید ایران می تواند برنامه تحقیق و توسعه غنی سازی کنونی خود را بدون انباشت مواد ادامه دهد، رسانه های غربی خبر دادند که ایران یک ماشین منفرد پیشرفته را در بخش تحقیق و توسعه نطنز نصب کرده و قصد گازدهی به آن را دارد اما این کار از دید ۱+۵ نقض توافق ژنو است و ایران باید آن را متوقف کند.

استناد ۱+۵ به صفت «کنونی» (Current) در متن توافق ژنو بود و می گفتند ایران صرفا می تواند برنامه تحقیق و توسعه غنی سازی کنونی خود را ادامه بدهد و نمی تواند این برنامه را وسیع تر از این که هست بکند و بنابراین حق نصب ماشین جدید در بخش تحقیق و توسعه و تست آن را ندارد.

با وجود اینکه مقام های تیم مذاکره کننده و همچنین سازمان انرژی اتمی در آن زمان درباره این موضوع سکوت کردند، ولی اکنون آژانس خبر داده است که ایران این ماشین را نصب کرد ولی از گازدهی به آن خودداری نمود.

در پاراگراف ۳۰ از گزارش اخیر آژانس در این باره آمده است: «در چهارم دسامبر ۲۰۱۳ (۱۳ آذر ۱۳۹۲) ، ایران پرسشنامه اطلاعات طراحی به روز شده ای را درباره «سانتریفیوژهای جدید» تکی که این کشور آن را IR-8 نام گذاری و در بخش تحقیق و توسعه نطنز نصب کرده در اختیار آژانس قرار داد». آژانس سپس شرح داده که این ماشین با UF6 گازدهی نشده و قابلیت غنی سازی آن تست نشده باقی مانده است.

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که توافق ژنو عملاً برنامه تحقیق و توسعه ایران را هم Halt کرده و این خسارتی بسیار بزرگ برای صنعت هسته ای ایران خواهد بود.

ایران از برنامه تحقیق و توسعه R&D منع نشده است ، با وجود آن تا نوامبر ۲۰۱۳ نمی تواند هگزافلوراید اورانیوم را به هیچ یک از سانتریفیوژهایش تغذیه کند.

چهار تا از شش آبشار[۱] کارخانه ی آزمایشی به این تحقیق وتوسعه مستمر اهدا نموده شده اند.

از زمان گزارش قبلی، ایران هگزا فلوراید اورانیوم متناوب طبیعی به دستگاههای واحد و گاهی به آبشارهای با سایز و انواع مختلف سانتریفیوژ به ، , IR-2 IR-1, IR-4, IR-6 تغذیه کرده است. این تحت توافق موقت به تنها سانتریفیوژ IR-5نصب شده با اورانیوم غنی شده تغذیه نشده است و همچنان در این دوره ی زمانی نمی تواند انجام دهد.

در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۳ ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی پرسشنامه ای به روز شده ارائه داده است که آژانس را از قصد خود برای نصب یک سانتریفیوژ جدید با نام IR-8 مطلع می کند. ایران متعهد شده است که هگزا فلوراید اورانیوم را به این سانتریفیوژ تزریق نکند. بین ۲۶ اکتبر ۲۰۱۳ و ۹ فوریه ۲۰۱۴تمام ۴۳۰.۱ کیلوگرم اورانیوم طبیعی تحت R&D (که مخفف تحقیق و توسعه است) را به سانتریفیوژها تغذیه کرده است. اما همچنان به ترکیب محصول غنی شده ادامه می دهد.
به راستی آیا توافقنامه ژنو ابعاد پنهان دیگری هم دارد؟!

نویسنده : setia

---

۱. توضیحی در ارتباط با اصطلاح آبشار که شاید خیلی ها ندانند:
سانتریفیوژ دستگاه استوانه‌ای شکلی است که درست مثل توربین هواپیما پره‌هایی در وسط آن وجود دارد. این پره‌ها در هر دقیقه بیش از صدهزار دور چرخش دارند. در نتیجه این چرخش، اورانیوم سنگین روی دیواره آخری سانتریفیوژ قرار می‌گیرد و اورانیوم۲۳۵ در کنار آن می‌نشیند. باید هزاران سانتریفیوژ در کنار هم قرار بگیرند تا ما بتوانیم با کمک مجموعه آنها که به آبشارهای سانتریفیوژ معروف هستند، اورانیوم را غنی کنیم. یعنی با یک یا چند سانتریفیوژ نمی‌توان اورانیوم را غنی کرد.

تصاویر پلمب تاسیسات هسته‌ای

ارسالی توسط : afsarejavan

حضرت آقا (حفظه الله) در عنایتی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نقشه راه و اصول معین در هدایت جامعه و مجریان قوانین، ابلاغ کردند. در این ابلاغ با چشم پوشی از مباحث تخصصی علم اقتصاد، موضوع وظایف آحاد جامعه نیز مطرح است.
در مکتوب حاضر سعی شده با امتزاج دادن (درآمیختن) سخنان راهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (حفظه الله) در مباحث مورد اشاره بدون تخطی از راه و گفتار ایشان به تحلیل ساده ی ابلاغ «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» و توصیه های ایشان بپردازیم .

ضرورت و اهمیت ابلاغ این سیاست ها، با توجه به موفقیت در عرصه‌های سیاست خارجی، فناوری، علم و فرهنگ و ایجاد ثبات و امنیت در کشور و وضعیت اقتصادی کنونی کشور در مواجهه با تحریم ها و پدیدار شدن این مشکل به عنوان یک نقطه ضعف در بدنه کشور بسیار روشن است.
مقام معظم رهبری (حفظه الله) با توجه به احاطه کامل بر مبانی ارزشی، نگاه سیستمی و شناخت دقیق از اقتضائات جامعه ایرانی، آن سیاست ها را بر سه رکن اساسی و حیاتی زیربنا کردند:
الف) مردمی کردن اقتصاد
ب) کاهش وابستگی اقتصاد به نفت
ج) مدیریت و تعادل در مصرف
ایشان طبق این سه رکن، گفتمان اقتصادی لازم برای کشور را با تبیین «وضع موجود»، «وضع مطلوب» و «مسیر» برای مردم، سیاستگذاران و مجریان کشور به صورت مشروح بیان کرده اند.
این ابلاغ نه پیشنهاد و نه یک حکم ارشادی برای دولتمردان و مجریان کشور است بلکه ایشان لزوم زمان‌بندی مشخص و بی‌درنگ و در پی آن اقدام به اجرای آن را با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف و ایجاد زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را به عنوان یک جهاد مقدس گوشزد نموده اند. (متن ابلاغیه)

وظایف:

در مقام مفهوم گیری از متن ابلاغیه، وقتی امر به مردمی شدن اقتصاد، کاهش وابستگی به ذخائر نفتی و مدیریت و تعادل در مصرف؛ می شود این موضوع خود را نشان میدهد که اقتصادی که در وضع موجود آن قرار داریم ـ بر خلاف استراتژی مقابله با تحریم ها که باید متکی بر ظرفیت های درون زا باشد ـ مردمی نیست که ایشان مکرر (از جمله در دیدار کارگزاران نظام ـ۱۳۹۱/۵/۳) با تذکر به قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه امر به ایجاد امکان ورود مردم به میدان اقتصادی کشور کرده اند و با تلنگر به سیاست های اقتصادی دولت های گذشته که بر مبنای «اقتصاد آدام اسمیتی» بنا شده آن را اقتصادی دیکتاتوری که در حال انحلال تدریجی است بیان می کنند و طبق نظر ایشان (دیدار دانشجویان کرمانشاه ـ ۱۳۹۰/۷/۲۴) اعراض و روی گردانی از آزادی غیر عادلانه غرب در اقتصاد، که منافی اقتصاد مورد نظر انقلاب اسلامیست باید یکی از سیاست های اصلی دولت ها باشد.
امر ایشان به مسئولین در تعیین افرادی جهت پیگیری و اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی که انگیزه های «انقلابی»، «مردمی» و «اعتقاد لازم و کافی» برای اجرای آنها داشته باشند و همچنین در صورت نیاز تغییر قوانین معارض و مخالف سیاست های اقتصاد مقاومتی و نهی از ایجاد تشکیلات جدید و موازی کاری (جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب ـ۹۲/۱۲/۶)، وجود تجربه تلخ از ابلاغ این نوع سیاست ها را نشان می دهد که متاسفانه دیده ایم که اجرای این سیاست ها فقط در ایجاد ایجاد ستاد ها، خرید ساختمان ها، برگزاری همایش ها، عزل و نصب ها با هدف رانت خواری و ... خلاصه می شود.
حضرت آقا (حفظه الله)؛ «عزم جدی» را شرط لازم اجرای این سیاست‌ها توسط مسئولین بیان می کنند و یکی از راه های تحقق اهداف آن را «اصلاح ساختار» نظام بروکراتیک متناسب ومنطبق با شرایط جدید می دانند.

گفتمان‌سازی، پشتوانه‌اجراء:

محورهای مهم در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی، مشارکت مردم و چگونگی مردمی کردن اقتصاد با کمک از گفتمان سازی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی، توسط نظام اجرایی کشور است که بسیاری از مشکلات را بر طرف و کارها را تسهیل خواهد کرد، که ۸ سال دفاع مقدس از حضور و مشارکت مردم و نتایج و ثمرات فراوان آن بخش اقتصاد ـ مانند جهاد سازندگی و صندوق های تعاون ـ و هدایت سرمایه های کوچک مردم در مسیر اقتصاد عمومی بسیار راهگشا و موثر در رسیدن به اهداف آن خواهد بود و همین ظرفیت های مردمی، می تواند کارهایی را انجام دهد که از عهده چند وزارتخانه هم بر نیاید. (جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب ـ۹۲/۱۲/۶)
در بیانات حضرت آقا (حفظه الله) و حتی توصیه های حضرت امام (ره)، موضوع گفتمان سازی، فرایند مشخصی برای ایجاد گفتمان عمومی ـ به عنوان پشتوانه اجراء گفتمان های انقلاب اسلامی ـ ترسیم شده است. نقش نخبگان، خواص و دانشمندان به عنوان رهبران فکری جامعه و بعد جوانان و در انتها مردم، در ایجاد گفتمان اقتصاد مقاومتی تا جایی که منتج به نتیجه مطلوب یعنی اقتصاد مردمی گردد.
در توصیه های ایشان (جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب ـ۹۲/۱۲/۶) برای گفتمان سازی مانند: الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ، اقدام بدون ترس از آمریکا، بیداری اسلامی، حوزه‌ی زن و خانواده، ،ازدواج و در آخر اقتصاد مقاومتی به چشم می خورد. وقتی عنوان «استدلال صحیح و منطقی برای مردم» به میان می آید خواص و نخبگان در این امر بازیگر اصلی هستند تا با پشتوانه جوانان، « به تدریج در بخشهای مختلف جامعه رسوخ» کند و این حاصل نخواهد شد مگر با میل مسئولین اجرایی و قانون گذاری برای استفاده از دو رکن نخبگان و جوانان که باید با « یک مطالبه عمومی» توسط مردم در مسئولین ایجاد شود.

نویسنده : matinemami

سه‌تفنگدار

«خسرو حکیم رابط» کتابی دارد از روزنوشته‌ها و خاطرات خود به نام «من با کدام ابر». در آن داستانی دارد به نام «سه تفنگدار» که مضمون آن به شرح زیر است:

روز سه‌شنبه در کلاس پنجم دبستان، به دانش‌آموران گفتم که شنبه امتحان تاریخ و جغرافیا دارید: شفاهی

روز پنجشنبه گفتم: امتحان تاریخ و جغرافیا داریم. همین امروز: کتبی.

همه اعتراض کردند که امتحان قرار نبود امروز باشد و قرار بود شنبه باشد.

همینطور قرار نبود کتبی باشد و قرار بود شفاهی باشد.

گفتم: همین است که هست. امروز است و کتبی است.

هر کس نمی‌خواهد بیاید جلوی کلاس بایستد.

از کلاس شصت نفری، سه نفر آمدند و جلوی کلاس ایستادند. سوالات را روی تخته نوشتم و بچه‌ها پاسخ‌ها را روی کاغذ نوشتند.

وقتی امتحان تمام شد. گفتم: از هر کدام از شما، ده نمره کم می‌کنم از تاریخ و ده نمره از جغرافیا.

و به این سه نفر بیست نمره می‌دهم در تاریخ و بیست نمره در جغرافیا.

تا بیاموزید که زیر بار ظلم نروید. درس امروز ما **ظلم ستیزی** است.

منبع : کتاب «من با کدام ابر» (خسرو حکیم رابط)
ارسال کننده : peimane

تربیت فاطمی

«نَحنُ وَسیلَتُهُ فی خَلقِه
وَ نحن خاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدسِهِ
وَ نَحنُ حُجَّتُهُ فی غَیبِهِ وَ نحن وَرَثَهُ اَنبیائِه؛
ما وسیله ارتباط خدا با خلق او و برگزیدگان خدا
و محل قدس او و حجّت آشکار او و وارثان انبیای او
هستیم.»
حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
(الاحتجاج، جلد ۱، صفحه ۲۵۸)

اشاره:

توجه به سیره ائمه معصوم (علیهم‌السلام) برای هدایت اعتقادی، تربیتی و علمی مردم و رساندن آن به آیندگان امری ضروری است قرآن به صراحت، به مسلمانان دستور می‌دهد که این سیره را اسوه نیکو و سرمشق قرار دهند. تلاش این مکتوب بر آن است که به مسئله ساختار و نظام تعلیم و تربیت مسلمین و شیعیان در سیره و زندگانی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، در دوران بعد از رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بر مبنای دفاع از امامت بپردازد.

مقدمه:

اعمال و افعالی که معصومین (علیه السلام) انجام می دهند «فعل معصوم» می‌نامند. فعل ایشان یا اختصاصی مقام نبوت و امامت است ـ مانند وجوب نماز شب ـ که ما وظیفه اطاعت و الگو گیری در آن عمل را نداریم یا از اعمال غیر اختصاصی است ـ مانند اعمال یک انسان ساده ـ یا شک کردیم که اختصاصی یا غیر اختصاصی است که باید طبق شرایطش به آنها عمل کنیم. ائمه معصومین (علیهم السلام) در زندگانی خود با تمسک اعمال و رفتار، تایید،نفی و نهی از اعمال، شیعیان را به راه مستقیم هدایت و تربیت کرده اند.

هیچ کس مانند حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، عمق و ژرفای امامت را نشناخت و هیچ فردی چون ایشان در راه تبیین، شناسایی و دفاع از امامت و امام خویش تلاش نکرد. أمّ الائمه (علیهم السلام) مادرانه با رفتار، گفتار و در نهایت با جان خود در دوران کوتاه و پر مشقت بعد از رحلت پدر بزرگوارشان چگونگی برخورد با دشمنان امامت و غاصبین آن را نشان دادند.گاه برای اثبات امامت امام علی(علیه السلام) به محاجّه و دفاع پرداخت و آنجا که لازم دید، برای دفاع از امام خویش، جان خود را به خطر انداخت تا آنجا که اوّلین شهید راه امامت و دفاع از آن لقب گرفت.

تبیین جایگاه رفیع امامت

حضرت زهرا(سلام الله علیها) بیشترین دفاع را از امامت شخص امیر مؤمنان علی(علیه السلام) به عنوان امام زمان خویش و به عنوان خلیفه بلافصل پیامبراکرم(ص) و سنگ زیرین و بنیادین امامت داشته است که این دفاع ها را می توان در چند بخش بیان نمود:

یکم: تثبیت و تبیین امامت
دوم: بیان فضایل و سابقه پر افتخار
سوم: تبیین غصب خلافت
چهارم: سرزنش مردم
پنجم: دفاع هنگام بردن امام برای بیعت
ششم: دفاع در مسجد

تثبیت و تبیین امامت

از بهترین شیوه های دفاع این است که مردم را نسبت به جایگاه و عظمت یک امر مهم آشنا سازیم. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقش محوری امامت را مانند کعبه بیان نمودند که باید مردم (برای طواف) به سراغش بروند نه اینکه کعبه به سراغ مردم برود و در حدیث شریف: نَحنُ وَسیلَتُهُ فی خَلقِه وَ نحن خاصَّتُهُ وَ... به چهار نقش محوری امامت (واسطه بین خلق و خالق، جایگاه برگزیدگان الهی، حجّت و خلیفه خدا در روی زمین، و وارث انبیای الهی) اشاره فرمودند.

بیان فضایل و سابقه پر افتخار

نوع دیگر دفاع آن حضرت از شخص امیرالمومنین(علیه السلام) این بود که در موارد لازم سابقه طولانی و فضایل بی شمار او را گوشزد می کرد. گفتنی است که بیان فضایل یک فرد آن گاه مؤثر است که خود گوینده به آن معتقد باشد. بسیارند کسانی که فضایل علی(علیه السلام) را به زبان آوردند، ولی در عمل و رفتار خود به آن اقرار و پایبندی نداشته اند، ولی حضرت زهرا(سلام الله علیها) با تمام وجودش معتقد و معترف به فضایل امیرالمومنین (علیه السلام) بوده است. همانطور که فرمودند: «و الّذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هدی ...» سوگند به خدایی که تو را برگزید و انتخاب کرد و تو را هدایت نمود و به وسیله تو امت را نیز هدایت کرد! همواره من به (ارزشها و فضایل) او معترف(و معتقد) بوده ام. (مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۳۰)

در بخشی از خطبه معروف خود در مسجد مدینه درباره سابقه درخشان امیرالمومنین(علیه السلام) فرمود: «کلّما أوقدوا ناراً للحرب أطفأها اللّه، أو نجم قرنٌ للشّیطان و فغرت فاغرةٌ ... ؛(الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۲) پس از بعثت رسول خدا(ص)) هرگاه مشرکین آتش جنگ بر افروختند، خدا آن را خاموش کرد و هرگاه شیطان سربرداشت یا مشرکی از مشرکین ندا داد یا یورش آورد، رسول خدا(ص) برادرش(علی(علیه السلام)) را در کام سختیها و شعله ها می انداخت. و علی(علیه السلام) بر جای ننشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید و با شمشیر، مشکلات و تهاجمات را از سر راه(اسلام) برداشت. او (علی(علیه السلام)) رنجها را برای خدا تحمّل نمود و در تحقق امر الهی تلاش کرد. یار نزدیک رسول خدا(ص) و بزرگ و سرور دوستان خدا بود. (همواره) دامن همّت به کمر زده، نصیحتگر، تلاشگر و کوشا بود. در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده ای بیم به خود راه نداد، در حالی که شما (مردم) در رفاه و آسایش زندگی آرمیده بودید.»

تبیین غصب خلافت

در روزگاری که اهل سقیفه به شدّت بر اوضاع مسلّط بودند و اجازه مخالفت و نفس کشیدن به کسی نمی دادند، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) با تمام قدرت به دفاع از حق غصب شده و پایمال شده امیرالمومنین(علیه السلام) برخاست و صریحاً فریاد کشید که خلافت از امیرالمومنین(علیه السلام) غصب شده است. از حضرت صادق(علیه السلام) نقل شده است که مادرشان این گونه از دست امّت بی تفاوت، شکوه نمود: «خدایا! به سوی تو شکایت می کنیم به خاطر اندوه از دست دادن پیامبرت... و اینکه ما را از حقّمان باز داشتند، همان حقّی که در کتاب نازل شده بر پیامبرت، برای ما قرار دادی.» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۹)

در حالی که ایشان در احد بر مزار حضرت حمزه(علیه السلام) عزاداری می کرد، پرسیدند: چرا مردم بر ضد شما و علی(علیه السلام) هجوم آوردند و حق مسلّم شما را غصب کردند؟

حضرت در پاسخ فرمود: «لکنّها أحقادٌ بدریّةٌ و تراتٌ احدیّةٌ کانت علیها قلوب النّفاق مکتمنةٌ ... ؛(مناقب ابن شهرآشوب، ج ۲، ص ۲۰۵) این همه کینه توزیها از (جنگ) بدر و انتقام جوییها از (جنگ) احد است که در دلهای منافقان پنهان بود. پس زمانی که به هدفشان از امر (حکومت) رسیدند، تمام کینه ها و حسادتها را بر ما فرو ریختند.» ناله های حضرت به گونه ای بود که در مدینه منتشر می شد و غاصبان به شدّت از آن به خشم می آمدند و مانع گریه های آن حضرت می شدند.

آن گاه که تصمیم گرفتند به خانه ولایت هجوم برند، حضرت زهرا(سلام الله علیها) کنار در ورودی منزل خطاب به مردم کوچه و بازار فرمود: «لا عهد لی بقومٍ حضروا اسوء محضراً منکم... ؛ من ملّتی را مثل شما نمی شناسم که این گونه بد برخورد باشند... از ما فرمان نخواستید و حق (مسلّم) ما را باز نگرداندید. گویا از آنچه رسول خدا(ص) در روز غدیر خم فرمود آگاهی ندارید؟ ... در آن روز ولایت(و رهبری) را برای او (علی(علیه السلام)) منعقد کرد (و از مردم بیعت گرفت) تا امید شما(فرصت طلبان) به خلافت قطع گردد ولکن شما رشته های پیوند(معنوی) میان خود و نبی خود را قطع کردید.» (بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۰۵)

در این سخنان، حضرت به صورت علنی و در جمع مردم و با حضور دیگران صراحتاً از زیر پا گذاشتن اسلام و سیره پیامبر سخن به میان آورده است.

ایشان تا آخرین لحظه برای دفاع از علی(علیه السلام) پای فشرد و لذا در بخشی از وصیّت نامه آن حضرت می خوانیم: «لاتصلّ علیّ أمّةٌ نقضت عهد اللّه و عهد أبی ... «امّتی که عهد و پیمان خدا و پدرم رسول خدا(ص) را درباره (ولایت) امیرمؤمنان علی(علیه السلام) شکستند و نسبت به حق من ظلم کردند، بر پیکر من نماز نگزارند... و آنهایی که نسبت به خدا و رسولش تذکّر و هشدار می دادم که در مورد ما (اهل بیت) ظلم روا مدارید! و حق مسلّمی را که خدا برای ما قرار داده است، غصب نکنید! در تاریکی شب جواب مساعد می دادند(که شما را یاری می کنیم) و در روز روشن دست از یاری ما بر می داشتند،(نیز) حق ندارند بر من نماز گزارند.» (علل الشرائع، صدوق، ج ۱، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۹) این سخنان ماندگارترین سندی است بر علیه غاصبان و زیباترین حرکتی است در افشاگری و بروز چهره منافقان.

سرزنش مردم

حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) در بخشی از سخنان خود در جمع زنان مهاجر و انصار فرمود: «فقبحاً لفلول الحدّ و قرع الصّفاة؛ چه زشت است کندی شمشیرها و سستی و بازیچه بودن مردانتان! ... وای بر آنان! چرا خلافت را از مرکز رسالت و پایه های نبوت و راهنما و مهبط وحی جبرئیل(علیه السلام) بیرون بردند! چه باعث شد که (با علی(علیه السلام) کینه توزی کردند و) از ابی الحسن انتقام گرفتند؟(آری) به خدا! انتقام گرفتند به خاطر سوزش تیغ او (و پایداری او).» (الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۵۰)

و در بخشی از خطبه معروف خود در مسجد خطاب به انصار فرمود:

«یا معاشر الفتیة و أعضاد الملّة، و أنصار الاسلام، ما هذه الغمیزة فی حقّی، و السّنة عن ظلامتی، اما کان رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله أبی یقول المرء یحفظ فی ولده...؛ ای گروه نقبا و جوانمردان(مؤمن)! ای بازوان ملّت و یاران اسلام! این غفلت و سستی چیست که در حق من روا می دارید و چرا در برابر دادخواهی من سهل انگارید؟ آیا پدرم رسول خدا(ص) همیشه نمی فرمود: «حرمت مرد(بزرگ) در فرزندانش حفظ شود. با چه سرعتی دچار اعمال ناپسند شدید! و چقدر زود آب از دهان و دماغ بز لاغر فرو ریخت!(یعنی دچار غفلت شدید).در حالی که شما (انصار) توان گرفتن(حق من را) دارید و نیروی کافی(برای حمایت) آنچه من مطالبه می کنم و از آن کنار زده شده ام، دارید.» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۸)

دفاع هنگام بردن امام برای بیعت

در آن زمان تلخ و غم آلود که علی(علیه السلام) را با زور و با وضع زننده به طرف مسجد می بردند، حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) به میان جمعیّت آمد و بین امام و آنها قرار گرفت و فرمود:

«و اللّه لادعکم تجرّون ابن عمّی ظلماً؛به خدا قسم! نمی گذارم پسر عمویم را ظالمانه (برای بیعت) ببرید.

ویلکم ما اسرع ماخنتم اللّه و رسوله فینا اهل البیت و قداوصاکم رسول اللّه(ص) باتّباعنا و مودّتنا و التّمسّک بنا فقال اللّه تعالی قل لااسئلکم علیه اجراً الّا المودّة فی القربی

وای بر شما! چه زود به خدا و رسولش درباره ما اهل بیت خیانت کردید! و حال آنکه رسول خدا(ص) به پیروی و دوستی ما(اهل بیت) تمسّک به ما (در امور زندگی) سفارش نمود. پس خداوند بلند مرتبه فرمود: بگو پاداشی بر رسالت از شما نمی خواهم، جز دوستی بستگانم را.» (سوره شوری، آیه ۲۳ ـ الاختصاص، ص ۱۸۱)

دفاع در مسجد

آن گاه که علی(علیه السلام) را مظلومانه به مسجد بردند، تا به اجبار از او بیعت بگیرند فریاد حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) با تن مجروح بلند شد: «خلّوا عن ابن عمّی فو الّذی بعث محمّداً بالحق لئن لم تخلّوا عنه لأنشرنّ شعری و لأضعنّ قمیص رسول اللّه(ص) علی رأسی و لأصرخنّ الی اللّه تبارک و تعالی؛ رها کنید پسر عمویم را! قسم به آن خدایی که محمد(ص) را به حق برانگیخت! اگر از علی(علیه السلام) دست برندارید، گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا(ص) را بر سر افکنده، به نزد خدای تبارک و تعالی فریاد بر می آورم. یقین بدانید که ناقه صالح در نزد خدا از من گرامی تر و بچّه آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتر نبود.»(مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۱۱۸)

آن گاه حضرت فاطمه(سلام الله علیها) همراه حسنین(علیهم السلام) برای نفرین به سوی قبر رسول خدا(ص) حرکت کرد. علی(علیه السلام) به سلمان فرمود: «سلمان! فاطمه را دریاب! گویی دو طرف مدینه را می نگرم که به لرزه افتاده. سوگند به خدا! اگر فاطمه(سلام الله علیها)...نفرین و ناله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی ماند و زمین همه آنها را درکام مرگبار خود فرو می برد.»

سلمان خود را رساند و از فاطمه(سلام الله علیها) خواست که نفرین نکند. حضرت فرمود: «یا سلمان یریدون قتل علیّ ما علیّ صبرٌ؛ای سلمان! آنها قصد جان علی(علیه السلام) را دارند و من(در قتل علی(علیه السلام)) نمی توانم صبر کنم.» سلمان عرض کرد: امام علی(علیه السلام) مرا فرستاده که به شما بگویم: به خانه برگردید و نفرین نکنید.

وقتی حضرت متوجه پیام امام خویش شد، فرمود: «اذا أرجع وأصبر و أسمع له و أطیع؛(۳۲) حال(که امامم دستور داده) بر می گردم و صبر می کنم و سخن او را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.»

این گونه دفاع، زیباترین دفاع است، چرا که با اطاعت صددر صد و محض امامش همراه است. آن گاه که علی(علیه السلام) سالم از دست مهاجمان آزاد شد. زهرا(سلام الله علیها) تا نگاهش به امام و شوهرش افتاد، گفت: «روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء یا اباالحسن ان کنت فی خیرٍ کنت معک و ان کنت فی شرّ کنت معک؛جانم فدای جان تو و روح و جان من سپر بلای جان تو! ای اباالحسن همواره با تو خواهم بود اگر تو در خیر و نیکی باشی با تو هستم و اگر در سختی (و بلا) باشی (باز هم) با تو خواهم بود.»

تربیت مادرانه

در آموزش و پرورش مردم از سوی اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، نکته اساسی توجه به مخاطب و کیفیت درک آنها بود. از نظر امامان معصوم (علیهم‌السلام)، شیوه برخورد با هر گروهی متفاوت از گروه دیگر است. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: بدان که رعیّت چند صنف‌اند که کارشان جز با یکدیگر اصلاح نمی‌شود، و از یکدیگر بی‌نیاز نیستند. صنفی از ایشان لشکرهای خدایند و صنفی دبیران خاص یا عام و صنفی قاضیان عدالت‌گستر و صنفی کارگزاران که باید در کار خود انصاف و مدارا به کار گیرند و صنفی جزیه‌دهندگان و خراجگزاران ـ چه ذمّی و چه مسلمان ـ و صنفی بازرگانان و صنعتگران و صنفی که حاجتمند و مستمندند. برای هر یک را خداوند سهمی معیّن کرده و میزان آن را در کتاب خود و سنّت پیامبرش بیان نموده و دستور داده که نزد ما نگه‌داری شود.(نهج‌البلاغه، ن ۵۲، ص ۷۲۷)

تمام شیوه های اعمال شده برای دفاع از حق توسط معصومین علیهم السلام از جمله حضرت زهرا سلام الله علیها جنبه تعلیم و تربیت نیز داشت . حتی شهادت؛ نه فقط برای شهادت بلکه برای آموختن این راه بود که در دفاع از حق در راه خدا باید جان را نیز فدا کرد.

مکان‌های تعلیم و تربیت طبق آموزه های ائمه اطهار (علیهم السلام) به خانه، مکانهای عمومی و مسجد اطلاق می شود که مادرمان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در این اماکن بر اساس فهم مخاطب و برای تربیت شیعیانشان راه های دفاع از امامت را تعلیم نمودند.

ولی

وای از در خانه و مسجدی که همسر
دست بسته در آن باشد و کوچه ...

نویسنده : matinemami

تصاویر فاطمیه

ارسالی توسط : afsarejavan

شباهت‌های سقیفه و عاشورا

۱- بی توجهی به مقام معصوم علیهم السلام

در مورد عاشورا آمده است که حسین بن علی با عمامه رسول الله بر سپاه عمر بن سعد وارد شد و آنها را از رابطه خویش با رسول الله و معرفی پدر و مادر خویش آگاه ساخت اما سپاه عمر بن سعد که برخی از تابعین از قبیل خود عمر بن سعد در بین آنها بود در برابر او ایستادند

متن برخی از سخنان حسین بن علی در کربلا:

«امام حسین علیه السّلام فرمود: شما را به خدا قسم می دهم ، آیا می دانید که جعفر طیّار در بهشت عنبر سرشت ، عموی من است ؟

گفتند: خداوندا ما می دانیم که چنین است !

باز آن امام برگزیده فرمود: شما را به خدا سوگند که می دانید این شمشیری که در میان بسته ام همان شمشیر سیّد ابرار است ؟

گفتند: بلی ، به خدا این را هم می دانیم !

امام حسین علیه السّلام فرمود: شما را به خدا قسم ، اطلاع دارید که عمامه ای که بر سر من است همان عمامه احمد مختار صلّی اللّه علیه و آله و رسول پروردگار است ؟

گفتند: به خدا که این را هم می دانیم !

حضرت فرمود: به خدا که می دانید شاه ولایت علی علیه السّلام اول کسی بود که قبول دعوت اسلام از سیّد انام نمود و او است آن کس که پایه علمش والا و درجه حلمش از همه کس أرْفَع و أعْلی است و اوست ولیّ هر مؤ من و مؤ منه ؟

گفتند: به خدا که این فضیلت را هم می دانیم !

اباعبداللّه علیه السّلام فرمود: پس به چه جهت ریختن خون مرا حلال شمردید و حال آنکه پدرم در روز رستاخیز مردمانی را از حوض کوثر دور خواهد نمود چنانکه شتران را از سرِ آب برانند ولواء حمد در آن روز به دست اوست»

(لهوف، الْمَسْلَکُ الثّانی فی وَصْفِ حَالِ الْقِتالِ وَما یَقْرُبُ مِنْ تِلْکَ الْحالِ)

در مورد سقیفه و ماجرای آن نیز روایاتی در کتب اهل سنت هم آمده است که عمر گفت: خانه را آتش خواهم زد. به او گفتند. فاطمه دخت نبی در خانه هست. عمر بن خطاب گفت. حتی اگر فاطمه در خانه باشد آتش خواهم زد

«باسناده عن زیاد بن کلیب قال: أتی عمر بن الخطاب منزل علیّ وفیه طلحة والزبیر ورجال من المهاجرین فقال: واللّه لأحرقنّ علیکم أو لتخرجنّ إلی البیعة»، فخرج علیه الزبیر مصلتاً بالسیف فعثر فسقط السیف من یده فوثبوا علیه فأخذوه»

(تاریخ الطبری ج۲ص۴۴۳)

۲- از دست دادن پشتوانه

در مورد روز عاشورا آمده است که زمانی که حسین بن علی برادرش عباس بن علی را دید که در حال شهادت هست و شهید شد فرمود: الان انکسر ظهری. در واقع حسین بن علی پشتوانه بزرگش را در آن روز از دست داد.

در مورد ماجراهای سقیفه و بعد از آن نیز آمده است زمانی که فاطمه بنت محمد همسر علی بن ابیطالب به دلیل جراحات وارده در روز هجوم به بیتش از دنیا رفت دیگر برای علی بن ابیطالب پشتوانه ایی نبود.

علمای بزرگ اهل سنت از قبیل بخاری در صحیح بخاری چنین نگاشته اند که بعد از علی بن ابیطالب در زمان حیات فاطمه بنت محمد در بین مردم مقامی داشت اما بعد از اینکه از فاطمه از دنیا رفت دیگری مقامی بین مردم نداشت.

«و کان لعلی من الناس وجه حیاه فاطمه» مردم، مادامی که فاطمه زنده بود، به علی توجه داشتند.

«فلما تووفیت، استنکر علی وحوه الناس» وقتی فاطمه در گذشت، مردم از علی روی برگردان شدند.

(صحیح البخاری – البخاری – ج ۵ – ص ۸۳- دارالفکر)

۳- از هر دو گروه قصد گرفتن بیعت به اجبار داشتند و در صورت عدم قبول بیعت محکوم به قتل بودند

در مقاتل آمده است که بنی امیه می دانستند که حسین بن علی با یزید بیعت نخواهد کرد. پس از همان ابتدا نظریه کشتن علی بن ابیطالب را دادند : «فَقالَ: إِنَّهُ لا یَقْبَلُ، وَلَوْ کُنْتَ مَکانَکَ لَضَرَبْتُ عُنُقَهُ»

همین قضیه در مورد شخص علی بن ابیطالب نیز صورت گرفت:

«إنی کنت أقاد کما یقاد الجمل المخشوش حتی أبایع»

من را از خانه‌ام کشان کشان به مسجد بردند، همانطوری که شتر را مهار می‌زنند تا فرار نکند و او را می‌برند. (نهج البلاغه، نامه۲۸، در جواب معاویه)

«فقال: إن أنا لم أفعل فمه؟ قالوا: إذا والله الذی لا إله إلا هو! نضرب عنقک. فقال: إذا تقتلون عبد الله و أخا رسوله، قال عمر: أما عبد الله فنعم و أما أخو رسوله فلا» علی را کشان کشان به مسجد آوردند و گفتند: با ابوبکر بیعت کن.

فرمود: اگر بیعت نکنم چه می‌شود؟ گفتند: به خدا قسم! اگر بیعت نکنی، گردنت را می‌زنیم.

فرمود: پس یک بنده خدا و برادر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را کشته‌اید. خلیفه دوم گفت: بنده خدا آری، ولی برادر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نه.

(الامامة والسیاسة – ابن قتیبة الدینوری ، تحقیق الزینی – ج ۱ – ص ۲۰)

۴- خبر دادن رسول الله از جفای به هردو

رسول الله هم در مورد بغض هایی که نسبت به علی بن ابیطالب و اهل بیتش و جفاهایی که نسبت به آنها می شود هشدار دادند. و هم نسبت به جفای امتش به نوه ی عزیزش حضرت علی فرمودند: دیدم که پیامبر گریه می کردند. پرسیدم. ای رسول خدا برای چه گریه می کنید. فرمودند: کینه هایی در دل گروه هایی هست که آنرا اشکار نمی کنند مگر پس از من. پرسیدم ای رسول خدا آیا دین من در آن زمان سالم هست ((یعنی مومن هستم)) رسول الله فرمودند: آری در حالی که مومن هستی

(مسند أبی یعلی – أبو یعلی الموصلی – ج ۱ – ص ۴۲۷- دار المأمون ، المناقب – الموفق الخوارزمی – ص ۶۵)

جوینی در کتاب (فرائد السمطین) به طور مستند از ابن عباس نقل می کند که او گفته است: روزی پیامبر اکرم نشسته بودند. حسین بن علی بر او وارد شد، دیدگان پیامبر تا به حسن افتاد اشک آلود شد.

سپس حسین بن علی وارد شد و حضرت دوباره گریستند. در پی آن دو، فاطمه و علی بر پیامبر وارد شدند. اشک پیامبر با دیدن آن دو نیز جاری شد. وقتی از پیامبر علت گریه بر فاطمه را پرسیدند، فرمودند:

« انی لما رایتها ذکرت ما یصنع بها بعدی کأنی بها و قد دخل الدل بیتها و انتهکت حرمتها و غصب حقها و منعت ارثها و کسر جنبها و اسقطت جنینها، و هی تنادی یا محمداه فلا تجاب و تستغیث فلا تستغاث»

فرائد السمطین ج۲ ص۳۵- موسسه المحمودی بیروت

در مستدرک الصحیحین و تأریخ ابن عساکر و مقتل الخوارزمی و غیر آن از أم الفضل بنت الحارث این گونه نقل شده است:

«ام فضل دختر حارث خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلّم رسید و عرض کرد: یا رسول الله دیشب خواب بدی دیدم. حضرت فرمودند: چه خوابی دیدی؟ گفت: خواب بدی بود. مانند این که قطعه‌ای از جسدتان را بریدید و در آغوش من گذاردید. رسول الله صلّی الله علیه و آله وسلّم فرمود: خیر است. فاطمه – إن شاء الله – فرزندی به دنیا می‌آورد و او را در آغوش تو قرار می‌دهد. بعد از مدتی فاطمه حسین را به دنیا آورد و همان‌گونه که پیامبر فرموده بود در آغوش من قرار گرفت. تا این که روزی خدمت حضرت رسیدم و حسین را در آغوش آن حضرت گذاردم؛ حضرت به من التفاتی نمود و چشمانش پر از اشک گردید. عرض کردم: یا نبی الله پدر و مادرم فدایتان چه شده است؟ حضرت فرمود: جبرئیل علیه الصلاه والسلام نزد من آمد و مرا با خبر ساخت که امت من به زودی این فرزندم را می‌کشند، عرض کردم: همین حسین را؟ فرمودند: آری و این هم مقداری از خاک و تربت سرزمین [کربلاء] است.»

۵- در هر دو ماجرا اهل بیت رسول الله کودکان خویش را از دست دادند

الف: سقط محسن بن علی در روز سقیفه

پس (عمر و همراهان) به خانه علی علیه السلام رو کرده وهجوم بردند، خانه آن حضرت را به آتش کشیدند؛ با در به پهلوی سیده زنان عالم زدند؛چنان که محسن را سقط نمود

ب: شهادت علی اصغر

«یا قَوْمِ، إِنْ لَمْ تَرْحَمُونی فَارْحَمُوا هذَا الطِّفْلَ؛» .. ای مردم اگر به من رحم نمی‌کنید به این طفل خردسال رحم کنید.

امام علیه السلام در حال گفتن این سخنان بود که بناگاه تیری از سوی ستمگری سیاه دل- حرملة بن کامل اسدی- حلقوم طفل را پاره کرد و از گوش تا گوش را درید. امام حسین علیه السلام کف دستش را زیر گلوی بریده طفل گرفت و چون از خون پر شد، آن را به آسمان پاشید و در روایت دیگر آمده است، امام دستانش را زیر گلوی طفل گرفت و گفت:یا نَفْسُ اصْبِری فیما أصابَکِ، الهی تَری ما حَلّ بِنا فی الْعاجِلِ فَاجْعَلْ ذلِکَ ذَخیرَةً لَنا فی الْآجِلِ؛ ای نفس! در برابر این همه مصیبت شکیبا باش! خدایا! تو می‌بینی که در این دنیای فانی چه مصائبی برای ما رخ داده، پس آن را برای روز رستاخیزمان ذخیره ساز!»

نفس المهموم، ص ۳۴۹

ارسال کننده : alitanhha

وصیتنامه‌شهید

در این شرایط تاریخی خداوند تبارک و تعالی بار سنگین انقلاب اسلامی را بر دوش ملت مسلمان ایران گذاشته است و ما را در آزمایشی عظیم قرارداده است. این را شهیدان بسیاری بخصوص در این چند سال اخیر به در و دیوار ایران نوشته اند و اگر مقاومت ما نباشدهمانطور که امام فرمودند بیم آن می‌رود که زحمات شهداء به هدر رود و اگر چه آنها به سعادت رسیدند و این ما هستیم که آزمایش می‌شویم .

دیگر اینکه با تجربه‌ای که ما از صدر اسلام داریم که بخاطر عدم آگاهی ، مسلمین چطور از مسیر اسلام منحرف شده اند و این تجربه باید برای مسلمین درس عبرت باشد.

با دقت کلمات این « روح خدا» را که خط او خط رسول خداست دقت کنند، وجود امام امروز برای ما معیار است راه او راه سعادت و انحراف از آن خسران دنیا و آخرت است. من با تمام وجود این اعتقاد را دارم که شناخت و مبارزه با جریانهایی که بین مسلمین صدر به انحراف کشیدن انقلاب از خط اصیل و مکتبی آن را دارند، به مراتب حساستر و سختر از مبارزه با رژیم صدام و آمریکاست و وصیتم به برادران این است که سعی کنند توده مردم که عاشق انقلاب هستند را از نظر اعتقادی و سیاسی آماده کنند که بتوانند نیروهای صادق انقلاب را شناسایی کنند و عناصری که جریانهای انحرافی دارند بشناسند که شناخت مردم در تداوم انقلاب حیاتی است.

بخشی از وصیت نامه شهید محمد بروجردی

ارسال کننده : shieh110

کلیپ‌های صوتی و تصویری

Afsaran.ir/ganjineh

امانت دار بانوی دمشقی...

http://www.afsaran.ir/link/530859

پیشکشی برای شهید شیمیایی

http://www.afsaran.ir/link/529925

مهندس سلام ...

http://www.afsaran.ir/link/531477

برگ برنده ما دور نیست

http://www.afsaran.ir/link/532708

کلیپ شهید گمنام

http://www.afsaran.ir/link/536168

پادکست استاد رائفی پور با عنوان عدالت، گمشده ی بشر

زمان : ۰۰:۰۶:۱۳ ahmadi1369

http://www.afsaran.ir/link/536179

دولت آمریکا بزرگترین نقض کننده حقوق بشر است در دنیا

زمان : ۰۰:۰۳:۵۹ movahhedi

http://www.afsaran.ir/link/534207

قلعه های خیبر را خواهیم گشود...

زمان : ۰۰:۰۳:۱۷ taghvayedel

http://www.afsaran.ir/link/531605

ماهیت انقلاب هایی که در دنیا واقع می شود در کلام امام خمینی

زمان : ۰۰:۰۸:۳۸ radiomaaref

http://www.afsaran.ir/link/531008

شکست انگلیس در ماجرای ملی شدن صنعت نفت

پس از لغو قرار داد دارسی توسط رضا خان و امضای محرمانه قرار داد گس-گلشائیان که بار دیگر مهر تاراجی برنفت ،این ثروت ملی بود اندک نمایندگان ملی گرا و جبهه مذهبیون دست اعتراض زده اند اما راه به جایی نبردند ، شاه هم برای عوض کردن صحنه بازی و برای ارامش فضای به وجود امده رزم ارا را به نخست وزیری برگزید .

نخست وزیری رزم آرا

سر لشکر رزم ارا که نخست وزیر پیشنهادی انگلیس بود باعث شد تا اتحاد ملی گراها و مذهبیون بیشتر شود و می دانست در صورت ارائه قراداد الحاقی و رای نیاوردن ان باعث حساسیت افکار عمومی می شود بنابر این دست به حربه ای دیگر زد .

در همین هنگام نمایندگان ملی گرا طرح ملی شدن صنعت نفت را به مجلس ارائه کردند که به دلیل فشار رزم ارا این طرح رای نیاورد ، از طرفی رزم ارا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت به طرو محرمانه با انگلیس وارد مذاکره شد و با زیرکی به جای طرح قرارداد الحاقی که دیگر سوخته بود قراردادی شبیه به قرارداد شرکتی نفتی ارامکو امریکا با عربستان را که متضمن منافع انگلیسی ها بود به مجلس ارائه کرد و با تهدید و فشار بر نمایندگان ان را تصویب کرد .

همچنین برای تضعیف روحیه ملی و انحراف اذهان عمومی گفت ایرانی ها نمی توانند یک کارخانه سیمان را اداره کنند چه رسد به صنعت نفت ؟! و گفت ملی کردن صنعت نفت خیانت به کشور است !!!

سرانجام پس از جلسه مذهبیون به ریاست ایت الله کاشانی و ملی گرا به رهبری دکتر مصدق تصمیم گرفته شد با از میان رفتن رزم ارا نفت ملی می شود لذا خلیل طهماسبی که از اعضای فدائیان اسلام بود با ترور رزم ارا راه را برای ملی شدن صنعت نفت باز کرد .

پیامد های ترور رزم ارا و ملی شدن صنعت نفت :

با ترور رزم ارا ، انگلیس که مهره ی قدرتمندی را از دست داده بود ،کشته شدن رزم ارا را یک فاجعه نامید و سهام شرکت نفتی انگلیس به شدت افت کرد .انگلیس در پی ان بود تا با روی کار امدن شخصی دیگر جلوی ملی شدن صنعت نفت را بگیرد اما وقایع انچنان به سرعت گذشت که عملا انگلیس از صحنه جا ماند و نتوانست نقشه های خود را اجرا کند.

انگلیس به چند دلیل مخالف سر سخت ملی شدن صنعت نفت بود زیرا

۱. شرکت های نفتی سرمایه گذاری های بسیار را در مناطق نفت خیز ایران انجام داده بودند و نمی خواستند ان ها را از دست بدهند .

۲. هزینه تهیه و انتقال نفت در ایران برای انگلیس بسیار ارزان بود و انگلیسی ها هم در قبال استخراج نفت از ایران پول چندانی را به دولت ایران پرداخت نمی کردند و از این راه سود هنگفتی به جیب می زدند و نمی خواستند این موقعیت استراتژیک را به هیچ وجه از دست بدهد ،زیرا که اقتصاد ان زمان عملا با استخراج نفت و هزینه های تولید ان رابطه ی مستقیم داشت .

۳. پس از شعله ور شدن جنگ های جهانی اول و دوم و اهمییت نفت و گازوئیل و ایفای نقش مهم نفت ایران در پیروزی متفقین در جنگ انگلیس با در نظر گرفتن جنگ های احتمالی هیچ گاه نمی خواست چاه های نفت ایران را در اختیار کس دیگر قرار دهد و از طرفی کشیده شدن خط اهن مورد نظر انگلیس کار را برای انتقال نفت از شما به جنوب ایران برای مقاصد بعدی بسیار مفید می کرد ، از طرفی موقعیت فوق العاده استراژیک ایران و چاه های نفت ان برای انگلیس بسیار حائذ اهمییت بود زیرا انگلیس برای کنترل هند بزرگترین مستعمره خود نیاز به نفت داشت که اسان تر و نزدیک تر به هند باشد و چه جایی بهتر از ایران .

۴. حضور مستشاران انگلیس به بهانه نفت ایراد در کشور مسیر ورود به همه دیگرجوانب کشور اعم از بهربرداری از معادن و منابع بیشتر ایران و وادادگی بیشتر دولت ایران به بریتانیا را افزایش می داد .

همه این عواملی که بر شمرده شد اندک منافعی بود که انگلیس در ایران داشت و با ملی شدن صنعت نفت از دست دولت بریتانیا خارج می شد و ضربات سنگین و جبران ناپذیری را به این کشور وارد می کرد و برای همین بود که انگلیس تمام تلاش خود را برای عدم استقلال نفت و خود شکور ایران به کار می بست تا منافع خود را در ایران حفظ کند

والسلام و علیکم و الرحمهٔ الله و برکاته

نویسنده : hamase

تصاویر ملی شدن صنعت نفت ایران

ارسالی توسط : afsarejavan

داستان ملی شدن صنعت نفت

اشاره

تا پیش از آغاز نهضت ملی نفت، کمتر کسی گمان می کرد چپاول آشکار طلای سیاه از سوی قدرت های استعمارگر به ویژه پیر استعمار، روزی به پایان برسد؛ اما این افسانه زوال ناپذیر با حضور مبارزان صنعت نفت و به خصوص روحانیت نستوه، دیری نپایید و چندی بعد این مبارزات به ملی کردن صنعت نفت و کوتاه کردن دست بیگانگان انجامید و ایران، انگلیس را از نفت سرشار خود محروم کرد.

ملی شدن صنعت نفت و روحانیت

روحانیت همچون همیشه ملی شدن نقشی مهم در ملی شدن صنعت نفت داشت. مبارزه روحانیت در عرصهٔ ملی ـ اسلامی از سال ها پیش از مشروطه آغاز شده بود؛ جنبش تحریم تنباکو و دفاع از صنایع داخلی، تأسیس شرکت اسلامیه در اصفهان در دهه پیش از مشروطه و شکل گیری جنبش تحریم اجناس خارجی، مخالفت آیت الله ملاعلی کنیبا اعطای امتیاز به بارون ژولیوس رویترو ...، همه و همه نشان گشودن جبههٔ مبارزه با موافقان اعطای امتیاز به بیگانگان است. نهضت ملی نفت نیز به دلیل حمایت بخش میانی روحانیت از آن، به ویژه در شهرهای بزرگی مانند اصفهان، انگیزهٔ زنده شدن احساسات مذهبی در عرصه سیاست شد. آیت الله کاشانی بار دیگر با احیایی برخی از اندیشه های آیت الله مدرس، در خصوص یکی بودن دین و سیاست، گام سرنوشت ساز و انکارناپذیری را در گشودن این جبهه بر عهده داشت.

آیت الله کاشانی برای جلوگیری از تصویب قرارداد نفت در مجلس اعلامیه ای خطاب به ملت ایران، درباره ملی کردن صنعت نفت صادر کرد که در آن آمده بود: ملی شدن صنعت نفت، تنها چاره بیچارگی های ما است؛ زیرا به این وسیله ثروت بیکرانی که خداوند تبارک و تعالی به ملت ایران عطا فرموده، از دست دشمنان بشر که مقصدی جز منفعت طلبی و مکیدن خون ملل ضعیف ندارند، بیرون آمده؛ به صاحبان حقیقی و مستحق آن می رسد... در اینجا بیان می کنم تا به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، همه افراد مملکت بخواهند که صنعت نفت ایران در مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود...

پس از انتشار این اعلامیه، اجتماع بزرگی در مسجد شاه (سابق) برگزار گردید و سخنرانان راجع به ابطال قرارداد نفت به سخنرانی پرداختند و خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند. آیت الله کاشانی نیز در تاریخ های ۱۳۲۹/۱۰/۸ و ۱۳۲۹/۱۱/۶ سخنرانی هایی علیه رزم آرا (نخست وزیر وقت) که با گستاخی تمام و بی اعتنایی به خواست ملت ایران، همچنان بر تصویب قرارداد الحاقی نفت پافشاری می کرد و ملت ایران را حتی شایسته ساختن لولهنگ هم نمی دانست؛ ایراد کرد که در قطعنامه پایانی آن ها، بار دیگر از ملی کردن صنعت نفت ایران به عنوان خواسته عمومی یاد کرد.

در این میان جمعیت فداییان اسلام هم با چیره دستی، فراست و رشادت گره های کور حوادث را با سر پنجه درایت و شهامت می گشودند و راه را برای ملی شدن صنعت نفت هموار می کردند .

این گروه علاوه بر تلاش برای ورود دکتر مصدق و یارانش به مجلس دوره شانزدهم شورای ملی (بنا به درخواست آیت الله کاشانی) با اعدام انقلابی سپهبد رزم آرا که برای جلو گیری از ملی شدن صنعت نفت به نخست وزیری رسیده بود و بر تصویب قرارداد الحاقی نفت پافشاری می کرد و گفته بود ... :اگر زیاد پافشاری کنند، مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب خواهم کرد عملا راه را برای ملی شدن صنعت نفت هموار کردند.

آیت الله کاشانی در برداشتن آخرین گام ها برای ملی کردن صنعت نفت و کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع ثروت ملی و دخالت در امور کشور، هم زمان با تشییع جنازه رزم آرا، دستور داد تظاهرات ملی و همگانی در خیابان های تهران برپا شود. شاه از طریق سرلشکر ضرابی برای آیت الله کاشانی پیامی فرستاد، مبنی بر اینکه مانع تندروی های فدائیان اسلام شود و اجتماعی را که قرار بود در میدان بهارستان برپا شود، متوقف کند؛ اما ایشان نپذیرفت و سرانجام تظاهرات بزرگ ۱۰۰ هزار نفری در تهران به راه افتاد

غیر از آیت الله کاشانی، مراجع دیگری نیز در شکل گیری نهضت ملی کردن صنعت نفت نقش مهمی را ایفا کردند. آیت الله سید محمد تقی خوانساری که از مراجع تقلید وقت بود، فتوایی شرعی به ضرورت ملی شدن صنعت نفت صادر کرد. دیگر مراجع تقلید همچون آیت الله صدر، آیت الله حجت و آیت الله فیض نیز فتاوایی در همین زمینه صادر کردند که سبب شد توده های وسیعی از مردم مذهبی در سراسر کشور به حمایت از ملی شدن صنعت نفت قیام کنند

پس از قتل رزم آرا و نخست وزیری خلیل فهیمی، دیگر هیچ یک از نمایندگان وابسته به انگلیس نتوانستند در مقابل ملی شدن صنعت نفت که خواسته مردم بود، از خود مقاومت نشان دهند. از این رو، گزارش کمیسیون نفت جهت تصویب به مجلس تقدیم گردید

گزارش کمیسیون در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورا و در ۲۹ اسفند به تصویب مجلس سنا رسید.

همچنین مجلس، در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ گزارش پیشنهادی کمیسیون نفت را به این شرح به تصویب رساند:

به نام سعادت ملت ایران و به منظور تأمین صلح جهانی (ما) به امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می نماییم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی شود؛ یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد.

وقتی دولت انگلیس در اولین اقدام خود در قبال ملی شدن صنعت نفت ایران، دولت دکتر مصدق را به مداخله نظامی تهدید کرد و چتربازان خود را به حالت آماده باش در آورد، آیت الله کاشانی ضمن ارسال پیامی به مردم عراق که نیروهای انگلیسی در آب های کشور آنان برای مقابله با ایران حضور یافته بودند، از آنان خواست تا با نیروهای دشمن به مقابله برخیزند و کشور خود را از لوث وجود اجنبی ها پاک کنند. همچنین طی بیانیه ای اعلام کرد که در صورت تهدید نظامی انگلستان به ایران، فتوای جهاد صادر خواهد کرد.

بعلاوه هنگامیکه انگلیس نفت ایران را تحریم کرد و به تمامی خریداران نفت هشدار داد که نفت ایارن را خریداری نکنند دولت مصدق با فروش تخفیفی نفت و اعمال برنامه ریاضت اقتصادی توانست در مقابل توطئه انگلیس بایستد . مصاحبه و مذاکره با خبرگزاری های خارجی و دیپلمات های سیاسی، از دیگر فعالیت های آیت الله کاشانی پس از ملی کردن صنعت نفت و در حمایت از دولت مصدق بود. هر چند با تمام این حمایت ها که در شرایطی صورت می گرفت که مقتضی عدم حمایت بود و حمایت قاطبه ملت ایران را نیز به دنبال داشت؛ به علت برخی سیاست های غلط و اشتباه مصدق و انتقال قدرت از مردم به احزاب سیاسی و همینطور شهادت اعضای اصلی گروه فداییان اسلام این انقلاب عظیم با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد به شکست انجامید؛ زیرا در مراحل پایانی آن، دین از سیاست و هویت ملی از هویت شیعی جدا شد و این از مهم ترین عوامل شکست آن بود.

ارسال کننده : setia

فاجعه فیضیه

حمله نظامیان ماموران ستم شاهی در سالروز شهادت امام صادق اتفاق افتاد

پس از رحلت ایتالله بروجردی شاه خائن احساس کرد که دیگر خطری برای ان ها وجود نخواهد داشت لذا به خود این اجازه راداد تا طرح های ضداسلامی مانند طرح انجمن های ایالتی وولایتی را به تصویب برساند که البته بامخالفت حضرت امام راحل مواجه شدوعلما را به قیام فراخواند وراز این طرح ورفراندوم را تشریح کرد.

شاه ملعون برای تبلیغ از نکات مثبت طرح تصمیم گرفت که به قم برود ، امام سفرایشان را تحریم کردند، نه تنها بازار حتی تولیت استان مقدسه حرم حضرت معصومه که از پست های مهم دولتی به شمارمی رفت نیز به استقبال شاه نرفت ودراین مراسم فقط کارگزاران شاه حضور داشتند.

این جرقه ای برای سرکوبی این قیام بود.

امام راحل به اعتراض از طرح های شاه ملعون مانند انقلاب سفید، انجمن های ایالتی و ولایتی و بردن مرجعیت به خارج ازکشور، عید باستانی را تحریم کردند و به مناسبت شهادت امام صادق مراسمی در بیت امام اغاز شد که مردم ازصبح در بیت ایشان منتظر اجرای مراسم عزاداری بودند و یکی ازعلمای حاضر تاوروداامام شروع به سخنرانی کردندبعداز حدودیک ساعت امام امد ومتوجه حضور افرادی مشکوک شد.

این افرادکماندوهایی بالباس مبدل کشاورزان و کارگران امده بودند ومسلح بودندکه می خواستند بافرستادن صلوات های بی مورد نظم جلسه رابه هم بزنند.

امام یکی از علما را صدامی زند ومی گوید که به مردم اعلام کند ان مامورانی که قصد خرابکاری دارند اگر ارام ننشینند شخصا به حرم می روم و برای مردم سخنرانی خواهم کرد، بااین حرف امام ان ها سرجای خود ارام گرفتند.

بعد از ظهر روز همان روز در مدرسه فیضیه به دعوت آیت‌الله العظمی گلپایگانی مجلسی برای سوگواری به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) منعقد بود. جمعیت در مدرسه موج می‌زد و اقشار مختلف مردم در آن حضور داشتند. در این حال مدرسه توسط عمال رژیم محاصره شد و سربازان مسلح در اطراف آن مستقر شدند.

در این حال، نیروهای ضد شورش پس از رساندن خود به پشت بام‌های اطراف به تیراندازی به طرف روحانیون پرداختند و تعدادی از طلاب را نیز از پشت بامها به زمین پرتاب کردند. مردم در بیرون از مدرسه وقتی متوجه جنایات عمال رژیم شدند، تصمیم به ورود به مدرسه و یاری طلاب را نمودند، اما مأموران آنان را نیز مضروب و مقتول ساختند. خون پاک فرزندان اسلام در همه جای مدرسه جاری بود. چون هنوز مدرسه قهرمانانه مقاومت می‌کرد، یورشی دیگر آغاز شد و مأموران رژیم، وارد حجره‌های طلاب شدند و پس از نابود کردن تمام کتاب‌ها، اسباب و اثاثیه به جان طلابی که در اطاقها سنگر گرفته بودند، افتادند. پس از مدتی با بستن درِ مدرسه طلبه‌ها به شکل تحقیرآمیزی به داخل شبستان برده شدند. سپس کتابها و مقداری از اثاثیه و لوازم طلاب ساکن حجره‌های فیضیه را به وسط حیاط آوردند و آتش زدند. در بین وسایلی که به آتش کشیده شد علاوه بر کتب درسی، قرآن و مفاتیح و کتب ادعیه نیز به چشم می‌خورد.

فردای آن روز نیز مأموریان مخفی رژیم دوباره به مدرسه هجوم آوردند و بعد از مجروح ساختن شمار دیگری از طلبه‌ها و تخریب قسمت‌های دیگری از مدرسه به طرفداری از شاه و رژیم شعار دادند و نسبت به مراجع و علماء اهانت کردند.

واقعه حمله به فیضیه و شیوه برخورد امام خمینی با این حادثه زمینه مناسبی را برای آشنائی مردم با دیدگاههای مشارالیه راجع به خاندان پهلوی، سیاستهای آمریکا، اسرائیل و انگلیس بوجود آورد. در حقیقت حوادثی که از سال ۱۳۴۰ در ایران شروع شده بود و با فاجعه فیضیه ۱۳۴۲ تداوم یافت و نهایتاً منجر به قیام ۱۵ خرداد گردید، مردم ایران را با واقعیتهای دردناک جامعه ایران آشنا ساخت.

از این رو حادثه حمله به مدرسه فیضیه، قطعاً یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی است. این حادثه بر خلاف تصور شاه که می‌پنداشت سبب سرکوبی روحانیت و قیام مردم می‌شود، عامل تثبیت تفکر سیاسی امام خمینی در جامعه گردید.

نویسنده : zelzal110

روز جمهوری اسلامی

امام خمینی(ره) :
صبح گاه ۱۲ فروردین که روز نخستین حکومت الله است از بزرگ ترین اعیاد ملی و مذهبی ماست و ملت ما باید این روز بزرگ را عید بگیرند و زنده نگه دارند روزی که کنگره های قصر ۲۵۰۰ ساله حکومت طاغوتی فرو ریخت و سلطه ی شیطانی برای همیشه رخت بربست و حکومت مستضعفین جانشین آن گردید

بعد از سالها مبارزه برای ایجاد حکومتی بر مبنای اسلام به رهبری امام خمینی(ره) و تقدیم شهدای فراوان در این راه سرانجام تلاشها به نتیجه رسید و ۲۲ بهمن انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و حال نوبت آن بود که این انقلاب تثبیت شود و حکومت جمهوری اسلامی بر پایه ی رأی مردم جان بگیرد.
از نظر امام خمینی(ره) برگزاری همه پرسی برای جواب‌گویی به برخی از سوال‌ها و کسب اعتماد و مشروعیت لازم، ضروری بود.
پس از مطرح شدن انجام رفراندوم، بر سر نام و عنوان نظام سیاسی ایران که باید در رفراندوم مورد سؤال قرار گیرد، اختلافاتی بروز کرد. دولت موقت سعی داشت کلمه «دموکراتیک» را به «جمهوری اسلامی» اضافه کند که با مخالفت جدی امام و نیروهای انقلابی مواجه گردید .استدلال دولت موقت و شخص بازرگان این بود که نباید انتخاب‌های متعدد را از مردم سلب کرد و آنان را تنها بر سر دو راه قرار داد بلکه مفهوم دموکراتیک جنبه عام‌تری است که حتی می‌توان اسلام و هر نوع نظام حکومتی دیگر را بعدها در آنجا داد.
امام خمینی شدیدا با نظریه دموکراتیک اسلامی مخالفت کردند و آن را نشانگر نفوذ و نماد غرب‌زدگی می دانستند. ایشان فرمودند فقط «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم. امام در پیام دیگری که در ۴ فروردین ۱۳۵۸ پخش شد، صراحتا اعلام کردند که شما ملت ایران در انتخاب نوع حکومت آزاد هستید. یعنی می‌توانید به هر نظام مورد دلخواه رأی دهید اما خود من به جمهوری اسلامی رأی می‌دهم.
با دعوت امام خمینی(ره)، مردم ایران در روزهای دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ در همه‌پرسی استقرار جمهوری اسلامی شرکت کردند. ۲۰میلیون و ۴۲۲ هزار و ۴۳۸ نفر از واجدین شرایط در این همه پرسی شرکت کردند که، ۲۰میلیون و ۵۴هزار و ۸۳۴ رای موافق و ۳۶۷هزار و ۶۰۴ رای مخالف به صندوق‌ها ریخته شد و در نهایت، ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای مثبت دادندر این روز ملت ایران با رای ۹۸/۲ درصدی خود ساختار سیاسی ، اجتماعی ایران را تغییر داد و جمهوری اسلامی مستقر شد. به همین دلیل این روز مبارک روز «جمهوری اسلامی» نامیده شد.
با رأی قاطع مردم ۱۲ فروردین روز"جمهوری اسلامی" در تاریخ ثبت شد که نشان دهنده ی خواستن یک حکومت اسلامی و مردمی بود نه یک حکومت پادشاهی سلطنتی که کمترین ارزشی برای مردم قائل نمیشد.
رأی به جمهوری اسلامی در۱۲ فروردین ۵۸ در واقع سعی بر محقق کردن شعار استقلال ،آزادی ،جمهوری اسلامی بود.
استقلال برای رهایی از سلطه ی قدرتهای شرق و غرب و روی پای خود ایستادن.
آزادی برای تعیین سرنوشت خود و حکومت بدون دخالت قدرتهای مداخله گر.
و جمهوریت که نشان دهنده ی حکومت مردم بر مردم است و نقش مردم در تشکیل و استمرار آن و اینکه مردم راحت میتوانند از حکومت خواسته های خود را مطالبه کنند.
امام خمینی(ره) بعد از اتمام همه پرسی و مشخص شدن نتیجه ی آن طی پیامی به مردم فرمودند:
"... من به دنیا اعلام می کنم که در تاریخ ایران چنین رفراندومی سابقه ندارد که سرتاسر مملکت با شوق و شعف و عشق و علاقه به صندوق ها هجوم آورده و رأی مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه به زباله دان تاریخ دفن کنند..."
"... من از این همبستگی بی مانند که همه به ندای آسمانی واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا لبیک گفتند و به اتفاق آرا به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به شرق و غرب ثابت کردند، تقدیر می کنم..."

نویسنده : parvaz77

اخبار افسران

افسران جوان جنگ نرم
www.afsaran.ir

سایت و مشکلات پیش آمده

مدتی بود که سایت افسران دچار مشکلات معدودی میشد که باعث زحمت کاربران بود . برخی از مشکلات ، مربوط به سرور سایت اعلام شد که مدیران از تعویض آن خبر دادند . طبق اطلاعیه ای که در صفحه اعلانات سایت منتشر شد ممکن است برطرف شدن مشکل حدود سی یا چهل روز طول بکشد . در این مدت ممکن است کاربران با مشکلات مختلفی جهت ورود به سایت ، لینک گذاری و پیامک گذاری مواجه شوند که امیدواریم به زودی حل شود و دیگر شاهد چنین مواردی نباشیم.

برترین لینکها

«کی از همه خوشگل تره : من من من من ...»
فوتوکاتور آقای mesterx با بیش ۲۴۰ رای برترین لینک ماه گذشته است . این تصویر ، صهیونیست بودن طرف های اصلی مذاکره با ایران در مذاکرات هسته ای را نشان میدهد .

«برای محمدمهدی دعا کنید ...»
این لینک با بیش از ۲۳۰ رای دومین لینک برتر این ماه بوده که خانوم mahshid ارسال کرده بودند و از افسران برای بهبود فرزند اقوامشون طلب دعا کرده بودند . ان شاء اله که شفا پیدا کرده باشد

سومین لینک برتر مربوط به تصویر فرزند نورسیده آقای abdollahsadeghi می باشد که بیش از ۲۰۰ رای کسب کرد .

چهره خوب و بد سال ۹۲

سایت در نظر دارد همچون سال گذشته، یک نظرسنجی برای انتخاب چهره خوب و بد سال برگزار نماید . در صفحه اعلانات ، از کاربران درخواست شده تا ۲۰ اسفند پیشنهادهای خود را با ذکر دلیل در بخش «پیشنهاد به مدیر» مطرح نمایند.

رادیو افسران

در این ماه رادیو برنامه بیست و یکم خود را پخش کرد و برنامه بیست و دوم نیز در هنگام تنظیم این خبر در دست تهیه می باشد .
http://afsaran.ir/link/532202

برترین پیامک‌ها

سال ۸۱-۸۲ یه فضایی تو بسیج دانشجویی دانشگاه شریف بود که اکثر بچه ها برای ارشد و دکتراشون میرفتند سمت علوم انسانی با این فکر که اینجوری میتونند بیشتر خدمت کنند به انقلاب. (مثل خود بنده که البته پشیمان هم نیستم به هیچ وجه) اما مصطفا نشون داد که آسمونی شدن به مهندسی خوندن یا علوم انسانی خوندن نیست :(
مصطفا جان روزت مبارک
#روز_مهندس
Hojjat 119رای

دورغه میدونم که دروغه
عموم زنگ زد گفت بابام شهید شد :"(
ولی من باورم نمیشه بابام که منو تنها نمیذاره
Zeynodin 119رای

متاسفانه مشکلات فنی ادامه دارد
راه حل اصلی ارتقای سخت افزارهاست
که بالاخره با پول شخصی دوستان علی الحساب
اینها خریداری شده
ولی به کارگیریشون ۳۰ تا ۴۰ روز طول میکشه که
در حال انجام کارهاش هستیم
تو این فاصله متاسفانه خیلی دستمون باز نیست
برای حل مشکلات ولی هر کاری از دستمون بر بیاد
انجام میدیم
مثل همیشه شرمنده شما هستیم
دعا کنید تا مشکلات مالی منابع انسانی و "نیتی"
بر طرف بشه
یا علی
Hojjat 108رای

آرمان تی وی

در اواخر ماه گذشته و اوایل این ماه شبکه آرمان تی وی برنامه مصاحبه با دکتر فواد ایزدی با موضوع بررسی جایگاه حق غنی سازی در توافقنامه ژنو و یک مناظره پخش کرد . این مناظره بین دکتر کواکبیان و دکتر بخشایش با موضوع بررسی توافقنامه ژنو انجام شد .
بخش هایی از مصاحبه و مناظره انجام شده را می توانید در این آدرس ببینید
http://afsaran.ir/profile/armantv

فریم فعال

در این ماه با توجه به مشکلات موجود شفق مدیا کار کمتری ارائه داد ولی برخی اعضای فریم افسران همچون خانوم setia فعالیت خوبی داشتند و چند کلیپ زیبا منتشر کردند .
http://afsaran.ir/group/219

صحبتهای مدیر افسران در رسانه ملی

هفته اول اسفند ،مدیر افسران در برنامه تلویزیونی «ثریا» که یک تماس تلفنی با ایشان برقرار کرده بود سخنان خوبی را بیان کرد . ایشان با اعتراض به نوع عملکرد شورای عالی مجازی و وزیر ارشاد گفت : «ای کاش وزیر ارشاد به عنوان متولی صنعت شبکه های اجتماعی همانقدر که دغدغه فیسبوک را دارد دغدغه رسانه های اجتماعی داخلی را نیز داشت.»

داستانك سین‌هفتم

با بی حوصلگی لباسامو عوض کردم و رفتم تو بخش. خیلی دلم گرفته بود. اینقدر ناراحت بودم که با کوچکترین حرفی اشکام از گوشه ی چشمم سرازیر می شد.
پیش خودم فکر می کردم من چه گناهی کردم که باید الان اینجا باشم، درحالی که همه ی مردم الان کنار خانواده هاشون دارن شیرین ترین لحظه ی سال رو جشن می گیرند.
حدود نیم ساعت تا لحظه ی تحویل سال مونده بود. تصمیم گرفتم یه سفره ی هفت سین همون جا بچینم. یه کم فکر کردم... خوب چی داریم اینجا؟...سرنگ! سرم! ... دیگه چی داریم؟ سه راهی!... ست سرم!...سرساکشن!...
عجب هفت سینی! تو دلم خندم گرفت. پیش خودم گفتم بهتر از هیچیه! حداقل برای خندیدن خوبه. مطمئنا همکارام هم به اندازه ی من غمگین و ناراحت بودند گفتم خوبه لااقل یه کم اونا رو شاد کنم.
داشتم فکر می کردم. یه سین دیگه مونده تا هفت سینمون تکمیل بشه. خیلی فکر کردم. همزمان که داشتم به خونه و دوری از خانواده تو لحظه ی تحویل سال و سین هفتم سفره هفت سینم فکر می کردم، چشمم به یکی از بیمارامون افتاد.

یه دفعه ته دلم هوری ریخت. بیماران بخش آی سی یو که هر لحظه داشتند بین مرگ و زندگی دست و پا می زدند. الان تو این موقع سال خانواده هاشون چه احساسی داشتند؟!
قطعا اون بیرون، پشت درهای بسته ی آی سی یو خانواده هایی بودند که آرزو داشتند الان پیش عزیزانشون بودند و تحویل سال رو با هم جشن می گرفتند.
یه دفعه صدای تلویزیون منو به خودم آورد. فقط ۱۰ دقیقه تا تحویل سال ۱۳۹۳ شمسی. دوباره برگشتم به بیمارم نگاه کردم. چقدر چهره ی مظلوم و معصومی داشت.
خدایا شکرت! شکرت که می تونم تو این لحظه ی به یاد ماندنی کنار بیمارانی باشم که خانواده هاشون هر لحظه منتظرشون هستند. خدایا شکرت که منو واسطه ی خودت قرار دادی که حیات و سلامتی رو به بنده هات هدیه کنی.
صدای تلویزیون بازم رشته ی افکارمو پاره کرد. تا تحویل سال، فقط ۵ دقیقه. به خودم اومدم و دیدم صورتم از اشک خیس شده. سریع سفره هفت سینمو مرتب کردم و سعی کردم سرم و سرنگ و... رو با نهایت سلیقه!!! بچینم.
سین هفتمو از کجا بیارم؟ صدای تلویزیون، تا تحویل سال فقط ۲ دقیقه! خدایا! شکرت که بهم سلامتی دادی که می تونم این سلامتی رو در حد توانم به دیگران ببخشم.
خدایا شکرت. بله سین هفتم رو پیدا کردم. سین هفتم قطعا چیزی نبود جز ***سلامتی***

پرستاران، خادمان بی منت و فرشتگان سپید پوش جامعه هستند که لباس خدایی بر تن دارند، آنان حمایت و پشتیبانی جامعه را می جویند و خواهان ارج نهادن جامعه به جایگاه واقعی خویشند، همچنان که مقام معظم رهبری می فرمایند:
«طرف حساب پرستار فقط خداست.»
روز پرستار، روز جاری عاطفه ها، روز درخشیدن ایمان در قلب های مهربان، روز افتخار انسان به انسانیّت گرامی باد.

نویسنده : tavangar

کربلا فقط یک عرصه از حیات زینب (سلام الله علیها) بود

مسجد النبی بود؛ یک مسجد، دوخانه. در یکی، آفتاب رسالت و آن سو: مهتاب ولایت و بانوی عصمت؛ که هر روز، پنجره می گشودند و در سایه آفتاب، خوشدل بودند.

«مایه خوشدلی، آنجاست که دلدار آنجاست ...»

و سالیان می گذشت. آفتاب، در سفر بود و مهتاب، در محراب، ایستاده بر نماز؛ که آوای شور و سرور در محله «بنی هاشم» پیچید و سفیر نینوا از راه رسید.

چون پیامبر از سفر بازگشت ، قاصدک وحی، بر او نازل گردید و سرنوشت «زینب» را تا فرجام بر وی نمود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله، نوزاد را در آغوش کشید: «فاطمه جان! نام او را زینب می گذارم».

آن گاه - دیگر بار - بر چهره زینب نگریست و آرام گریست! پیامبر دلش در هوای زینب خویش می تپید؛ هر چند بیشتر به آینده می اندیشید و زینب علی علیه السلام را - با تمام اندوه و ماتمش - در آیینه زمان می دید.

زینت و زخم و صبر

از رحلت پیامبر، حادثه ها - یکا یک - رقم خوردند؛ از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله که لبخند شادی را از لبان فرزندان علی علیه السلام سترد و فاطمه علیها السلام و شویش را در اندوهی جانکاه فرو برد ... تا ... و زینب، از اوان کودکی، با مصیبت ها و رنج هایی چنین، خو کرد، اما هرگز زیر بار بلایا، کمر خم نکرد. و آن گاه که این ستم ها می دید، با خود می اندیشید که چرا مردمان، در میثاق شان چنین ناپایدارند؟ مگر محنت زهرا علیها السلام آزار پیامبر نیست؟ پس این امواج خشم و فریاد جماعت، بر خانه پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله از بهر چیست؟ و اگر علی علیه السلام را، مولای مردم و دروازه شهر دانش پیامبر می خوانند، چه سان به اکراه و اجبارش به مسجد می کشانند؟

آری، همه اینها را می دید و چون پدر، بر می آشفت، ولی هیچ نمی گفت! شاید زینب علیها السلام باید اشک هایش را در دیده و غم هایش را در سینه می انباشت؛ زیرا فصلی دیگر از فراق ، فرا روی خویش داشت!

«عالمه غیر معلمه»

مسند علمی حضرتش چنان شاخص بود که او را «راوی حدیث» خواندند؛ حکایت بیماری پدر، داستان نزول سفره آسمانی برای مادر، سرگذشت میلاد برادر و ...

زلال علم، از چشمه جانش می جوشید و آن گاه که با پدر، در «کوفه» بودند، زنان را، احکام شرعی و قرآن می آموخت. او خویش را مهیا می کرد تا خطبه های خورشیدی و آتشین خود را، بی هیچ بیمی از ستم پیشگان دوران، بر زبان جاری سازد.

کربلا فقط یک عرصه از حیات زینب علیها السلام بود

حضرتش «اهل التقی» بود؛ نمازش، یادآور نمازهای مادر و تضرعش به درگاه الهی، چون زمزمه های غریبانه پدر، در خلوت تنهایی و تنهایی خلوت نخل های بی سر!

راستی! چرا شکوه و عظمت زینب کبرا علیها السلام را، تنها در روز عاشورا ، وداع واپسین و سفرهای شام و ... محدود می کنیم و هنگام نگاشتن از شخصیت والایش، فقط از «مظلومیت» حضرتش می آغازیم؟! میدان کربلا، فقط و فقط یک عرصه از یک اعجاز و یک پنجره از آسمان بی کران پرواز اوست.

صبر، عفاف، عبادت و...

آن راست قامت توحیدگو، آن بانوی محمدی خو را باید از منظر «تعبد» دید؛ که نماز شب را در شام غریبان، اگرچه توان نداشت، نشسته بر پای داشت.

از منظر «وفاداری»؛ که در آتش عشق حسین علیه السلام سوخت.

از منظر «صبر»؛ که از کودکی، انبوه اندوه ها را در دل و جان اندوخت.

و آیا تاریخ، میدانی والاتر از این «فصاحت» به یاد دارد:

«ای مردمان کوفه؛ مردمان پست و بی مقدار؛ مردمان پر حیلت و فریب کار! بگریید؛ که چشم هاتان هماره گریان و سینه هاتان آتش افشان و بریان باد... چون است، که دست به کشتن فرزند پیامبر، یازیدید؟ و این سان - چه آسان - در آتش سوزان و مانای دوزخ، در غلتیدید ... که این ننگ سراسر نیرنگ را هرگز به هیچ آبی، نتوان شستن، و نه به هیچ زبانی، پاسخ گفتن!» (۱)

میلاد، مبارک!

و... ما اگر مرزهای مکتب خویش را پاس داریم؛ اگر شمشیر تیز زبان مان را بر رگ رگ حیات کژی ها و زشتی ها، فرود آریم؛ اگر وابستگی ها و دلبستگی ها را - چونان وارستگان صافی ضمیر - ارجی ننهیم و هرگز هوا و هوس های نفسانی را بر عزت نفس و کرامت، ترجیح ندهیم؛ اگر گوهر پاک دامنی را به چشم های آلوده نفروشیم؛ اگر جامه تقوا بپوشیم؛ اگر با بیداد و ستم بستیزیم و... باید از دل و جان، میلاد زینب کبرا علیها السلام را به سور و سرور برخیزیم.

شب لبخند علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

سلام بر تو، عقیله بنی هاشم! از همان نخست که آمدی و کائنات، حضورت را بر جبین خاک لمس کردند، با خود عطر کربلا آوردی و حدیث پروانگی ...

عشق را هر قدر بنویسیم، اندک است. دریا را هر قدر بنوشیم، قطره ای بیش نیست و زینب را از زبان صبر و اقتدار، هر قدر روایت کنیم، حدیثی ناتمام است.

در خانه ای که خدا همواره میهمانش بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر صباح، آغاز روزش را به سمت پنجره های آن خانه، سلامی بهشتی می فرستاد، در خانه وحی و تکرار جبرئیل، در معرض نفس های آسمانی آل عبا، «زینب» هم خواهد درخشید.

اوآمده بود تا ادامه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام، برای غربت معصوم برادرانش باشد. تا صبر مهربان حسن علیه السلام، بر دامان پر مهر او، ظلم زمانه کور دل را از یاد ببرد، تا از لب های او، حدیث کربلای سرخ، در گوش های تاریخ، طنین انداز شود.

سلام بر او که نامش، امتداد حقیقت اهل بیت است و دامان مقدسش، دنباله دامان پرستار زهرا!

ارسال کننده: montazere0313

بنیادشهید

امام خمینی (رضوان الله علیه)

درباره ی شهید آنقدر از اسلام و اولیاء اسلام روایات وارد شده است بر فضل شهید که انسان متحیر می شود. در روایتی از رسول اکرم(ص) نقل شده است که برای شهید هفت خصلت است که اولی آن عبارتست از : اینکه اولین قطره ای که از خون او بر زمین بریزد،تمام گناهانی که کرده است آمرزیده می شود و مهم این آخرین خصلتی است که می فرماید که بر حسب این روایت که شهید نظر می کند به وجه الله و این نظر به وجه الله راحت است برای هر نبی و شهید. این آخرین چیزی است برای انسان، آخرین کمالی است که برای انسان است....

سابقه ی اولیه ی بنیاد شهید به دوران آغاز قیام امام خمینی(ره) به سال ۱۳۴۲ بر می گردد. بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ گروهی از روحانیون انقلابی و افراد نیکوکار به دستور امام مأمور شدند تا به خانواده های شهدا رسیدگی کنند که این کار در طول سالهای مبارزه ادامه داشت. بعد از پیروزی انقلاب برای سامان دادن بیشتر به امور شهدا و خانواده هایشان با فرمان امام خمینی (ره) بنیاد شهید در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ آغاز به کار کرد.

اهداف بنیاد شهید :

- احیاء و حفظ و گسترش فرهنگ ایثار و شهادت به عنوان ضامن بقای اسلام و تشیع و مؤثر ترین ابزار حفظ عزت جامعه و تمامیت ارضی کشور
- زنده نگه داشتن یاد ونام شهیدان و اجرای فرامین امام (ره) در خصوص رسیدگی شایسته و همه جانبه به امور خانواده های شهدا
- تجلیل و تکریم از خانواده های شهدا ، مفقودین و اسرا.
- تبیین حق بزرگ شهیدان و خانواده هایشان.

وظایف بنیاد شهید :

از جمله وظایف بنیاد شهید می توان به موارد زیر اشاره کرد :

-برنامه ریزی و تلاش برای ترویج فرهنگ و روحیه ی شهادت طلبی و جهاد در جامعه
- شناسایی و ترویج عوامل رشد و توسعه ی فرهنگ شهادت طلبی
-برگزاری مراسم یادبود و سالگرد شهدا
- جمع آوری و نگهداری و معرفی آثار فرهنگی،ادبی و هنری،وصایا و دیگر آثار شهدا
- برنامه ریزی و تلاش برای رشد مادی و معنوی خانواده های شاهد
- انجام اقدامات ممکن در جهت ارائه ی خدمات و مساعدت های ضروری به والدین شاهد
- تأمین و پرداخت حقوق مستمری به خانواده های شاهد واجد شرایط در چهارچوب ضوابط مربوط
- و.....

البته در سالهای اخیر اخبار گوناگونی از مدیریت ناموفق و پرمشکل این نهاد به گوش میرسد که امیدواریم متخلفان در صورت وجود، از مناصب مدیریتی حذف و به مجازات برسند و حقوق خانواده های معظم شهدا بطور یکسان اعاده گردد.

نویسنده : parvaz77

روز درختکاری

امام علی علیه السلام نقل می فرماید: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی را به جهاد می‌فرستاد، به آنان چنین رهنمود می‌داد: «اُنطَلِقُوا بِسْمِ اللهِ ...لاَ تَقتُلُوا وَلِیداً طِفْلاً وَلاَ اِمْرَأَةً وَلاَ شَیْخاً کَبِیراً، ... وَلاَ تَعقَرنَ شَجَراً إِلاَ شَجَرٌ یَمْنَعُکُمْ قِتَالاً أَوْ یَحْجِزُ بَیْنَکُم وَ بَیْنَ الْمُشْرِکِینَ؛ (نام خدا حرکت کنید ... مبادا به کشتن زنان، پیران و کودکان مبادرت نمایید ... و از قطع درختان بپرهیزید؛ مگر درختی که مانع جنگ یا مانع بین شما و مشرکین باشد.» کنز العمال، ج۴، ص ۴۷۸، ش۱۱۴۲۵.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَقْطَعُوا الثِّمَارَ فَیَبْعَثَ اللَّهُ عَلَیْکُمُ الْعَذَابَ صَبّاً؛ درختان مثمر[که قابلیت میوه دادن دارند] را قطع نکنید؛ چرا که خداوند عذاب را بر شما فرو خواهد فرستاد». الکافی، ج۵، ص۲۶۴

امام صادق (ع) : درخت برای انسان آفریده شد پس او مکلف گردید به : ۱-کاشتن درخت ۲-آب دادن درخت ۳- مواظبت نمودن درخت. الحیاة جلد ۵ صفحه ۳۴۷ ، بحارالانوار جلد ۳ صفحه ۸۲و۸۳

امام صادق (ع) فرمودند : درختان میوه دار را قطع نکنید مبادا که عذاب خدا بر سر شما نازل گردد. میزان الحکمه حدیث شماره ۱۹۵۵

رسول خدا (ص) : هرکه درختی بکارد هربار انسانی یا یکی از مخلوق خدا از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود. نهج الفصاحه صفحه ۵۹۷

امام صادق (ع) : خداوند برای انبیاء و رسولان خود کار درختکاری و کشاورزی را انتخاب فرمود تا آنکه از بارش پیاپی آسمان ناخشنود نباشند بلکه پیوسته منتظر باران رحمت الهی باشند. وسائل الشیعه جلد ۱۲ ، میزان الحکمه جلد ۴ صفحه ۲۱۴ نقل از وسایل جلد ۱۲ صفحه ۱۹۲

رسول اکرم (ص) : مسلمانی که درختی بنشاند و یا زراعتی کسب نماید اجر و پاداش صدقه در راه خدا را خواهد داشت. مستدرک الوسائل جلد ۱۳ صفحه ۴۶

رسول خدا (ص) فرمود : یا علی ! مبادا با حضور تو به کشاورزان ظلمی بشود و مالیات زمین را زیاد مکن. وسائل جلد ۱۳ صفحه ۲۱۶

حضرت علی بن الحسین (ع) فرمودند : بهترین اعمال کاشتن است بکارید زراعت کنید پس نیکوکار و فاجر از آن می خورند درندگان و پرندگان از آن نیز می خورند. الحیاة صفحه ۳۴۵

حضرت محمد (ص) : هرکه درختی بنشاند خداوند به اندازه میوه ایکه از آن درخت ظاهر میشود پاداش برای وی مقرر میفرماید. نهج الفصاحه

حضرت محمد (ص) : هرکس درختی را بکارد و بر حفظ و نگهداری آن صبر ، استقامت ، و بر مواظبت و مراقبت از آن قیام نماید تا آنکه به ثمر و نتیجه برسد . به مقداری که بهره می رساند و به تعداد کسانی که از آن درخت استفاده میکنند ثواب صدقه و انفاق را خداوند متعال به او مرحمت میفرماید. کتاب میزان الحکمه حدیث شماره ۹۱۴۳

امام باقر (ع) : هرکس باغ (زمین حاصل خیز) را بفروشد ، زیانکار است و کسی که آنرا بخرد مرزوق و روزی با برکتی را دارا خواهد شد.

گردآورنده : setia

برگی از بهشت

حضرت آیت الله العظمی بهجت(ره) در فرمایشات خود درباره اصلاح نفس فرموده‌اند: اشکال در این است که خودمان را اصلاح نمی‌کنیم و نکردیم و نخواهیم کرد، حاضر نیستم خودمان را اصلاح کنیم. اگر ما خودمان را اصلاح می‌کردیم، به این بلاها مبتلا نمی‌شدیم.

حضرت نبی اکرم (ص) فرمود :«ألا اخبرکم بدائکم و دوائکم، داؤکم الذنوب ودواؤکم الاستغفار». ما می‌خواهیم هر چه دلمان می‌خواهد بکنیم، اما دیگران حق ندارند، به ما اسائه‌ای بکنند؛ ما خودمان، به نزدیکانمان، دوستانمان، هر چه بکنیم، بکنیم، اما دیگران، دشمنان، حق ندارند به ما اسائه ای بکنند.

آخر ما اگر خودمان را درست بکنیم، خدا کافی است، خدا هادی است. ما خودمان را نمی‌خواهیم درست بکنیم، اما از کسی هم نمی‌خواهیم آزار ببینیم. آنهایی که طبعشان آزار است، کار خودشان را می‌کنند، مگر اینکه یک کافی و یک حافظ جلوگیری بکند.

ما اگر خودمان به راه بودیم، در راه می‌رفتیم، چه کسی امیر المؤمنین(ع) را می‌کشت، چه کسی حسین بن علی(ع) را می‌کشت، چه کسی همین را (امام زمان علیه السلام) که حالا هست، هزار سال هست، او را مغلول الیدین کرد.

ما خودمان حاضر نیستیم خودمان را اصلاح بکنیم. اگر خودمان را اصلاح بکنیم، به تدریج همه بشر، اصلاح می‌شوند.

ما می‌خواهیم اگر دلمان خواست دروغ بگوییم، اما کسی به ما حق ندارد دروغ بگوید؛ ما ایذاء بکنیم دوستان خودمان را، خوبان را، اما بدها حق ندارند به ما ایذاء بکنند.

بابا با خدا بساز، کار را درست می‌کند. چرا در خلوت و جلوت، دلت هر چه می خواهد می‌کنی؟ مگر نمی‌فرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً، و یرزقه من حیث لا یحتسب، و من یتوکل علی الله فهو حسبه، إن الله بالغ أمره قد جعل الله لکل شیء قدراً. سوره طلاق/آیه ۲- ۳

ارسال کننده : afsarejavan

دلنوشته

خداست لابه لای نفحات روزگار

خدایا شکرت! وقتی به آسمانِ آبی نیمه اسفند می نگرم فصلِ تازه ای در برگهای زندگی ام رقم می خورد، انگار بوی تو را میانِ سبزه های تازه احساس می کنم. انگار شادمانی ام با فرشتگانِ تازه از راه رسیده قسمت می شود.

دستِ باد سر جوانه های سبز را نوازش می کند و نبضی بر پیستونِ حرکاتِ زمین جرقه می زند و حیات جریان می یابد.

این بادهای بهارانه به هر موجودی رمقِ ایستادن می دهد،

حتی اگر سیاستِ خارج از باغِ وجودشان ضعیف باشد.

زیباتر از بوی خاک خیس خورده زیرِ قطرات باران، شمیمِ دوستی ها و دیدارها و بوی دوری از رنگ پرستی و نوع پرستیها است! وقتی کودکی چشمش به عیدی هاست انگار تپش قلبش تند می شود و به ستایش عید می گرید،

و من به لطافتِ مهربانیِ آفریدگارم می گریم.

زیباتر از طراوتِ بهار، صدای جیرینگ جیرینگِ سکه های جیبِ باباست. انگار برخی، وقتی خانه هایشان را تکان می دهند و وقتی دیوارهای وجودشان را غبار می گیرد،

به یاد جیبهای خالیِ مردمان می افتند!

بوی زنده کردنِ خاطرات می پیچد، به دیدارِ فراموش شدگان می رود و از تکاسل خویش شرم می کند. و خدایا تو نقشِ بخشش را

بر صفحه اذهانِ مخلوقت رقم میزنی...

همه در تکاپوی حیاتند. حتی دردها همراه لبخندِ کودکان می خندد.

خدا میانِ ترنم باران است میانِ انوارِ خورشید و میانِ ستایشِ شکوفه های گیلاس، میانِ شبنمِ گلبرگهای گل و خداست لابه لای نفحاتِ روزگار،

و زیباتر از آن در دستهای بخشنده .

ای کاش مرزهای شرقی و غربی و شمالی و جنوبیِ ابعادِ آدمی وسعت دنیا بود. ای کاش دور انسانیت تک خانه ای بود و با آسمان مسقف می شد و نه کینه بود و نه درد و نه فقر! آنگاه سیاه و سیاه بر سر قدرت نمی جنگیدند. کسی فخر نمی فروخت و غرور کسی له نمی شد.

برقِ چشمهای منتظران را دوست دارم آنقدر که در انتظار، عشق و حرکت است. و از شمشیرهای آخته بر گلوی بیداری بیذارم، زیرا که از جهل می هراسم.

زیبایی مغزِ حیاتِ بشر به شکوفایی چشمه های امید در مغزهاست، و امید یعنی انتظارِ هستی بخش! و انتظار یعنی عمل، یعنی به بار نشستنِ تکاپوی من و تو،

همچون بهاری واقعی...

نویسنده: azadandish

همکاران این شماره:

Afsarejavan

Azadandish

Baran

Hamase

Mahdiyar85

Matinemami

Miladps3

Montazere0313

Parvaz77

Peimane

Sepehra

Setia

Tavangar

Zelzal110

www.AFSARAN.ir